

پرونده:

- اعدام مردم در ایران
- با کمک مالیات‌دهندگان کشورهای اروپایی
- سیاست کیفری اعمالی جمهوری اسلامی
- در جرایم مرتبط با مواد مخدر
- نگاهی به شیوه مبارزه با مواد مخدر
- اعدامیان افغان؛ زندانیان فراموش شده



احمد شهید:

گزارش گر ویژه برای ایران دست‌آورد مثبتی داشته است

وضعیت حقوق بشر در ایران بدتر شده است

- گزارش جلسه با احمد شهید، گزارش گر ویژه سازمان ملل در نروژ

- ده سال از عمر یک زندانی اهل حق در انتظار اعدام

احمد شهید: گزارش گر ویژه برای ایران دست آورد مثبتی داشته است

احمد شهید

گزارش گر ویژه سازمان ملل برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران، در چهارمین سال فعالیت خود معتقد است که



مدیار سمیع نژاد

هر چند در برخی موارد و شرایط شاهد بهبود وضعیت بوده ایم، اما نقض حقوق بشر در ایران افزایش پیدا کرده است. وی در حالی از افزایش نقض حقوق بشر سخن گفت که بعد از روی کار آمدن دولت حسن روحانی نسبت به بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز خوش بینی کرده بود. احمد شهید در روزهای ۱۷ و ۱۸ دسامبر سال جاری برای دیدار با فعالین حقوق بشر و تکمیل گزارش های خود و دیدار با افراد و کنش گران مختلف به نروژ سفر کرد. در اسلو برای ساعتی با وی به گفت و گو نشستیم و در مورد اهمیت حضور گزارش گر ویژه حقوق بشر و تاثیرش در چند سال گذشته صحبت کردیم.

• شما چهار سال است که به عنوان گزارش گر ویژه سازمان ملل در حقوق بشر ایران مشغول به فعالیت هستید. وضعیت کلی حقوق بشر در ایران را در حال حاضر چگونه می بینید؟ در این چهار سال شاهد بهبودی در وضعیت حقوق بشر ایران بوده ایم؟

به طور کلی درک من این است که در این چند سال وضعیت حقوق بشر در ایران بهتر نشده است. وقتی آقای روحانی رئیس جمهور شدند چند قدم کوچک و رو به جلو برداشته شد که آثار مثبتی هم داشت. یکی از مسایلی که اثر مثبت داشته، بازبینی و اصلاح قانون مجازات بوده که تاثیر مختصر و کوچکی داشته است؛ ولی به طور کلی می توانم بگویم که وضعیت حقوق بشر در ایران بدتر شده است. از جمله یکی از مهم ترین نشانه ها افزایش اجرای حکم اعدام است. همچنین گسترش مواردی که می توانند با حکم

اعدام مواجه شوند. تعداد بالای کودکانی که مجازات اعدام در موردشان اجرا شده و این که وضعیت حقوق زنان نیز بدتر شده از دیگر نشانه ها است.

• با این شرایط آیا فعالیت شما به عنوان گزارش گر ویژه ظرف این چند سال به بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران منجر شده است؟ در واقع سوال من این است که حضور گزارش گر ویژه چه دست آوردهایی برای حقوق بشر و مردم ایران داشته است؟

این که برای ایران گزارش گر ویژه حقوق بشر منصوب شده از چند نظر آثار مثبتی داشته است. اول این که آگاهی در سطح بین المللی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران افزایش پیدا کرده و تعداد بیش تری از کشورها توجه شان به این موضوع جلب شده است. نشانه ی روشن این قضیه هم این است که در کمیته سوم مجمع عمومی، تعداد آرای قطع نامه هایی که وضعیت حقوق بشر ایران را مورد توجه قرار می دهند، خیلی بیشتر شده است. پیش از این در کمیته سوم مجمع عمومی، تعداد آرای مثبت به قطع نامه هایی که نقض حقوق بشر در ایران را محکوم می کرد بین ۶۰ تا ۷۰ رای بوده، ولی در حال حاضر به ۸۰ تا ۹۰ رای رسیده است. نکته دوم این که به خاطر فعالیت گزارش گر ویژه، بحث در زمینه حقوق بشر در ایران از جمله درون حاکمیت و دولت بیشتر شده و این گاهی آثار مثبتی

هم داشته است. سوم این که در بسیاری از موارد، توجه بیش تری به پرونده های افراد جلب شده، به خصوص که گاهی تاثیر مثبتی نیز در سرنوشت آن ها و پرونده شان داشته است. به طور کلی خانواده ها و خود قربانیان به من گفته اند از زمانی که یک گزارش گر بین المللی به وضعیت حقوق بشر در ایران توجه دارد، احساس امنیت بیش تری می کنند.

• شما به این موضوع اشاره کردید که رای کشورها در کمیته سوم مجمع عمومی بیشتر شده است و کشورهای بیش تری جمهوری اسلامی ایران را به خاطر موارد نقض حقوق بشر محکوم می کنند. ما همیشه دیده ایم که نهادهای امنیتی و ارگان های ناقض حقوق بشر در ایران توجهی به افکار عمومی و محکومیت هایی که در عرصه بین المللی با آن مواجه می شوند، ندارند و در واقع چه این محکومیت ها از طرف یک کشور باشد چه چند کشور باز هم این روند در ایران ادامه دارد.

شما درست می گوید که دولت ایران آن چنان که باید و شاید به آرای عمومی و عقیده دیگران توجه نمی کند، ولی باز هم مقداری اهمیت می دهند و این طور نیست که هیچ اهمیتی قایل نباشند. وقتی که در مورد موضوعی بحث می شود، معمولاً واکنش نشان می دهند و برخی اوقات آثار مثبتی نیز دارد. می توانم برای شما چند مثال بزنم. یک نمونه موضوع اجرای مجازات سنگسار است. این طور که من خبر دارم در این ایران دیگر حکم سنگسار اجرا نمی شود و این نتیجه ابراز مخالفت گسترده با این مجازات در سطح بین المللی بود. مثال دیگر این است که مقامات ایران اعلام کرده اند که می خواهند نحوه ی برخورد با قاچاقچیان مواد مخدر که دستگیر می شوند را تغییر دهند. می دانید که ۸۰ درصد از اعدام ها در ایران مربوط به جرایم مواد مخدر است. مقامات ایران اعلام کرده اند در صدد هستند تا طرحی را ارائه بدهند که این مجازات ها تغییر کرده به مجازات های کم تر و سبک تری تبدیل شود. برخی از طرح ها و لویحی که در مجلس مطرح بودند هم یا اصلاح شدند یا این که به طور کلی منتفی شدند. در مقابل شاهد واکنش هایی هم در داخل ایران و هم در سطح بین المللی بودیم. یکی از آن ها مربوط به مواد قانونی چند همسری بود که زنان ایرانی خیلی به آن اعتراض کردند و آن مواد قانونی کنار گذاشته شدند. یک لایحه دیگر مربوط



وضعیت حقوق بشر در ایران بدتر شده است. از جمله یکی از مهم‌ترین نشانه‌ها افزایش اجرای حکم اعدام است. همچنین گسترش مواردی که می‌توانند با حکم اعدام مواجه شوند. تعداد بالای کودکانی که مجازات اعدام در موردشان اجرا شده و این که وضعیت حقوق زنان نیز بدتر شده از دیگر نشانه‌ها است.

سوال و درخواست من ساکت نبودند و جواب‌هایی داده‌اند. برخی از گروه‌ها در داخل کشور یا در داخل سیستم، علاقه دارند که من به ایران سفر کنم ولی در حال حاضر در این مورد بین خودشان بحث جریان دارد.

• برخی معتقدند به خاطر همین دوری از ایران گزارش‌های شما بازتاب دهنده همه‌ی موارد نقض حقوق بشر در ایران نیست و دقیقاً همه‌ی آن‌چه از نقض حقوق بشر بر یک نفر رفته را روایت نمی‌کند.

این نکته را حتماً باید بگویم که من باید به ایران بروم. اگر بروم اطلاعات بیشتری می‌توانم به دست بیاورم. اکنون برای گزارش‌هایی که تهیه می‌کنم، محدودیت فضا دارم و از حدی فراتر نمی‌توانم بروم. تعداد کلماتی که استفاده می‌کنم، محدود است. اغلب شنیده‌ام که قربانیان نقض حقوق بشر شکایت می‌کنند که پرونده ما کامل منعکس نشده است، اما من به خاطر همین محدودیت‌ها نمی‌توانم همه چیز را در این گزارش‌ها ذکر کنم. با این حال باید بگویم که بدون رفتن به ایران هم و بدون بازدید از کشور هم می‌تواند کارم را انجام دهم. در قرن بیست و یکم به هر حال امکاناتی وجود دارد که آدم می‌تواند بسیاری از اطلاعات را از طریق اینترنت، ای‌میل و شبکه‌های اجتماعی به دست بیاورد. همچنین خود حکومت ایران نیز خیلی از اسناد را به صورت آنلاین و الکترونیک منتشر می‌کند. بنابراین خیلی از اطلاعات را می‌توان بدون دیدار از کشور هم به دست آورد.

به وکالت دولتی بود که کنار گذاشته شد و البته الان در حال طرح مجدد است. یک قانون دیگر مربوط به خانواده است که در سطح بین المللی بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است. بنابراین نمی‌توانیم بگوییم که دولت ایران کاملاً به آن چیزی که در سطح بین المللی در موردش گفته می‌شود، بی‌توجه و بی‌اعتنا است. البته آن قدر که مدافعان حقوق بشر دل‌شان می‌خواهد توجه نشان نمی‌دهند ولی این‌طور هم نیست که اصلاً توجه نکنند. این که ما بتوانیم حتی یک تلنگر بزنیم، ممکن است باعث شود تا اثرش به تدریج بیشتر شود. این خود می‌تواند استدلالی به نفع ادامه چنین فعالیتی باشد، چرا که کاملاً بی‌تأثیر نیست.

• سوال دیگر در مورد سفر کردن شما به ایران است. می‌دانم که شرایط سخت بوده و مشکلات بسیاری هنوز برای تحقق این موضوع وجود دارد. آیا شرایط این موضوع بهتر شده و آمادگی بیشتری از سوی مقامات جمهوری اسلامی برای سفر به ایران مشاهده کرده‌اید؟ به ویژه که چندی پیش مقامات قضایی گفته بودند که با سفر دو گزارش‌گر موضوعی سازمان ملل به ایران موافقت کرده‌اند.

من فکر می‌کنم که هر چه بیشتر می‌گذرد برای مقامات ایران روشن‌تر می‌شود که همکاری با سازمان ملل از جمله ماموریت من به سودشان است. اگر بگذارند من به ایران بروم، شکایت‌هایی که از گزارش‌های من دارند اصولاً منتفی شده و معنایی نخواهد داشت. آنها می‌گویند گزارش‌ها من بیش از حد بر صحبت‌های ایرانیان خارج از کشور تکیه داشته و به اندازه کافی جانب انصاف و تعادل را رعایت نمی‌کنم. اگر اجازه دهند من بروم از زندان‌ها بازدید کرده و با قضات و مقامات ایران صحبت کنم، به کلی این شکایت‌ها منتفی می‌شود. آنها دارند متوجه می‌شوند که این همکاری نکردن اشتباه بوده و این به ضرر خودشان است و البته این دریافت و درک من است. نکته‌ی دوم همین صحبتی است که گفته‌اند ما می‌خواهیم دو نفر از گزارش‌گران ویژه را دعوت کنیم. از همان ابتدا که من این مسوولیت را بر عهده گرفتم، این حرف را زده‌اند و اکنون سه سال است که آن را تکرار می‌کنند. البته ما خیلی هم خوش‌حال می‌شویم که کسی را دعوت کنند، ولی البته این دعوت باید در چارچوب و با توجه به معیارهای سازمان ملل باشد. مقامات ایران دو مساله را باید تضمین کنند؛ یکی این که گزارش‌گری که به ایران می‌رود باید به همه کسانی که می‌خواهد با آنها صحبت کند، دسترسی آزاد داشته باشد و دیگر اینکه این افراد نیز باید در امنیت باشند و به خاطر صحبت با گزارش‌گر ویژه، مجازات یا تنبیهی برایشان در نظر گرفته نشود.

• شما چه اقداماتی برای سفر به ایران انجام داده‌اید؟ اگر نامه‌نگاری می‌کنید، آیا نامه‌ها جوابی دارند یا مقامات ایرانی در قبال نامه‌ها و درخواست‌های شما سکوت می‌کنند؟

من چندین بار در این مورد برای مقامات ایران نامه نوشتم و با آن‌ها صحبت کردم. از پاسخ‌هایی که به من دادند متوجه شدم که بحثی درون خودشان جریان دارد درباره‌ی این که بهترین روش برخورد با من چه می‌تواند باشد؟ برخی از آن‌ها معتقدند اگر من بروم به ایران، گزارشی که می‌نویسم نسبت به گزارش‌های قبلی حاوی انتقادات بیشتری خواهد بود؛ ولی برخی دیگر می‌گویند ممکن است گزارش‌های بهتر و ملایم‌تری تهیه شود. بنابراین جواب من به شما این است که در قبال

۱ شورای حقوق بشر سازمان ملل در شهریور ماه ۱۳۹۰ احمد شهید را به عنوان گزارش‌گر ویژه حقوق بشر در ایران تعیین کرد. احمد شهید سومین گزارش‌گر ویژه‌ای است که از طرف سازمان ملل برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران ماموریت یافته است. پیش از این، رونالدو گالیندو پول و موريس کاپیتورن دو گزارش‌گر دیگری بودند که از سال ۶۵ تا سال ۸۰ این مسوولیت را بر عهده داشتند. در سال ۱۳۸۰ دولت محمد خاتمی موفق شد سازمان ملل را متقاعد کند که وضعیت حقوق بشر ایران در حال بهبود



● محمود امیری مقدم

است و با آغاز «گفت‌وگوی حقوق بشر» بین ایران و اتحادیه اروپا دیگر نیازی به یک گزارش‌گر ویژه نیست. از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ ایران گزارش‌گر ویژه‌ای در امور حقوق بشر نداشت تا اینکه در پی اعتراضات پس از انتخابات ۱۳۸۸ بار دیگر توجه جامعه جهانی به مسایل حقوق بشری در ایران جلب شد. در سال ۱۳۹۰ شورای حقوق بشر با اکثریت آرا تصمیم به تعیین یک گزارش‌گر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران گرفت و احمد شهید به این سمت منصوب شد. گزارش‌گر ویژه موظف است که سالانه دو گزارش در مورد وضعیت حقوق بشر ایران به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کند. دوره‌ی ماموریت گزارش‌گر ویژه نیز باید هر سال توسط شورای حقوق بشر تمدید شود. یک گزارش‌گر ویژه نمی‌تواند بیش از شش سال متوالی در این سمت باقی بماند و در صورت تمدید ماموریت گزارش‌گر تا پایان این دوره، پس از شش سال شورای حقوق بشر باید گزارش‌گری دیگر را جایگزین فرد فعلی کند. با وجود اینکه احمد شهید، بر خلاف دو گزارش‌گر ویژه پیشین، اجازه سفر به ایران را نداشته؛ اما گزارش‌هایش از نظر ما کامل‌تر و جامع‌تر بوده است. این گزارش‌ها نسبتاً موارد بیشتری از نقض حقوق بشر را در بر می‌گیرند. علاوه بر موارد نقض حقوق بشر از جمله اعدام، حقوق زنان، اقلیت‌های مذهبی، آزادی بیان و شرایط زندان‌ها؛ وضعیت حقوق بشر در مناطق اتیکي و وضعیت دگرپاشان جنسی از جمله مواردی است که در مقایسه با گزارش‌های دوره‌های قبل بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. دلیل کامل‌تر بودن نسبی

گزارش‌های احمد شهید می‌تواند هم به کثرت سازمان‌های حقوق بشری که در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کنند ربط داشته باشد و هم به تلاش‌های شبانه روزی گزارش‌گر ویژه و همکارانش. در هر صورت این گزارش‌ها موجب خشم حکومت ایران شده‌اند به طوری که محمدجواد لاریجانی، رییس ستاد حقوق بشر قوه قضاییه ایران بارها در سخنرانی‌های رسمی در سازمان ملل، احمد شهید را به دروغ‌گویی و پرونده‌سازی علیه ایران متهم کرده است. این سوال اما همیشه مطرح است که تاثیر گزارش‌های گزارش‌گر ویژه بر روند حقوق بشر در ایران چیست؟ از آن‌جا که گزارش‌گر ویژه توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل تعیین شده است، گزارش‌های وی به عنوان مدارکی قابل استناد محسوب می‌شوند. برای مثال بر اساس گزارش‌های گزارش‌گر ویژه، پرونده حقوق بشر ایران می‌تواند به شورای امنیت سازمان ملل رجوع داده شود و بدین ترتیب نقض حقوق بشر توسط حکومت جمهوری اسلامی می‌تواند پیامدهای عملی از طریق شورای امنیت داشته باشد. البته بعید به نظر می‌رسد که شورای امنیت به دلیل نقض حقوق بشر در مورد ایران تصمیمی اتخاذ کنند. در درجه اول، حقوق بشر هیچگاه اولویتی در سیاست بین‌المللی نداشته است و دوم این‌که ترکیب اعضای دائمی شورای امنیت که بعضاً خود از ناقضین حقوق بشر هستند اجازه اتخاذ تصمیمی مبنی بر نقض حقوق بشر را نمی‌دهد. شاید مهم‌ترین تاثیر گزارش‌گر ویژه بر وضعیت حقوق بشر مطرح کردن موارد نقض حقوق بشر در سطح بین‌المللی باشد. با وجود گزارش‌هایی که سالانه دو بار به سازمان ملل ارائه شده و موظف بودن حکومت ایران به پاسخگویی، مساله حقوق بشر ایران به طور پایدار مورد بررسی قرار می‌گیرد و جامعه جهانی نمی‌تواند بر آن چشم‌پوشی کند. از طرف دیگر از آنجا که گزارش‌های گزارش‌گر ویژه جزو مدارک و اسناد حقوقی محسوب می‌شوند، ناقضین حقوق بشر می‌توانند در آینده با استناد به این گزارش‌ها مورد پیگرد قانونی قرار گیرند. آن‌چه مشخص است، این‌که حکومت ایران تمامی سعی خود را برای جلوگیری از تمدید ماموریت گزارش‌گر ویژه به کار گرفته است. دادن اجازه به گزارش‌گران برای سفر به ایران و آغاز گفت‌وگوی حقوق بشری با کشورهای اروپایی می‌تواند استراتژی جمهوری اسلامی برای رسیدن به این هدف باشد؛ استراتژی که قبلاً نتیجه داده است. با این حال نهادهای حقوق بشری تجربه دهه ۸۰ تا ۹۰ خورشیدی را به یاد دارند و می‌دانند که هیچ گزارش‌گر و یا گفت‌وگوی حقوق بشری نمی‌تواند جایگزین گزارش‌گر ویژه حقوق بشر باشد.

۲ به نظرم تاثیر انتصاب گزارش‌گر ویژه حقوق بشر برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران از ۲۰۱۱، تاثیر محسوسی در حوزه سیاست گذاری پالیسی داشته است. طی چند سال گذشته علیرغم مخالفت‌های مقامات جمهوری اسلامی با گزارش‌گر ویژه و گزارش‌های او، مستندسازی دقیقی از وضعیت حقوق بشر در حوزه‌های مختلف صورت گرفته است. این باعث شده است که اولاً کشورهای مختلف نسبت به حوزه‌های مختلف نقض حقوق در ایران اطلاعات و اشراف بیشتری



● امید معماریان

و نظامندتری داشته باشند و در جلسات مختلف از جمله در جلسات شورای حقوق بشر و یا مجمع عمومی از مقامات ایرانی سوال کنند، دوماً باعث شده که مقامات ایرانی متوجه این مساله بشوند که سال‌ها بی پاسخ گذاشتن مکانیسم‌های مختلف حقوق بشری سازمان ملل عملاً هزینه بیشتری را

به لحاظ سیاسی ایجاد می‌کند. به همین جهت در طی یک سال و نیم گذشته، مقامات قوه قضاییه و وزارت خارجه حداقل در سطح ارتباط برقرار کردن با مکانیسم‌های مختلف سازمان ملل، فعالیت بیشتری داشته‌اند. حتی مشاورین ارشد قوه قضاییه و برخی مقامات وزارت خارجه با احمد شهید به صورت مرتب جلسه داشته‌اند و در مورد نکاتی که او مطرح کرده در گزارش‌هایش با او گفت‌وگو کرده‌اند. هر چند او هنوز نمی‌تواند به ایران سفر کند. برای اینکه ایران اساساً مکانیسم گزارش‌گر ویژه کشوری را رد می‌کند، وجود این مکانیسم باعث شده است که مقامات ایرانی در حوزه‌هایی مانند نقض حقوق بهائیان، اعدام و شرایط زندانیان به گفت‌وگو بپردازند و وعده تغییر بدهند. تغییر لحن و زبان مقامات ایرانی در طی این مدت در ارتباط با مکانیسم‌های مختلف سازمان ملل هم آشکار است. گزارشگری آقای شهید برای افرادی که حقوقشان به نوعی در داخل کشور نقض شده نیز امید بخش است چرا که مشاهده می‌کنند در بالاترین سطوح مجامع بین‌المللی پیگیر مطالباتشان هستند برای همین هم رابطه خیلی نزدیکی بین فعالان مدنی و حقوق بشر، در داخل و خارج کشور با افرادی که حقوقشان نقض شده و همچنین گزارش‌گر ویژه و دیگر مکانیسم‌ها برقرار بوده است.

برای مثال ما شاهد ارسال تعداد کثیری از نامه‌ها به سوی دکتر احمد شهید بوده‌ایم که در آن قربانیان نقض حقوق بشر یا بستگان ایشان خواهان پیگیری وضعیت‌شان از جانب دکتر احمد شهید شده‌اند. چند صد قربانی و شاهد نقض حقوق بشر در ایران تاکنون با دکتر احمد شهید دیدار داشته‌اند یا در تماس‌های اینترنتی مشاهدات خود را به او انتقال داده‌اند و اکنون دفتر احمد شهید دارای بانک اطلاعاتی مفصلی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران است که بر اساس آن دو گزارش سالانه دکتر احمد شهید به مجمع عمومی سازمان ملل و شورای حقوق بشر ارائه می‌شود. هر چند که هنوز به وی اجازه ورود به کشور داده نشده است، ولی به اظهارات و گزارش‌های وی توجه ویژه می‌شود و تلاش‌های بی‌ثمر ناقضان حقوق بشر در جمهوری اسلامی برای توجیه اقداماتشان به مراتب بیش‌تر شده است. همگی می‌دانیم که میزان نقض حقوق بشر در بسیاری از عرصه‌ها در سال‌های اخیر افزایش یافته است. به نظر من در نبود کرسی گزارش‌گری ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی و شخص احمد شهید که با علاقه‌مندی و پشتکار مسئولیت خویش را پیش می‌برد، وضعیت نقض فاحش، گسترده و سیستماتیزه حقوق بشر در جمهوری اسلامی در حال حاضر از این نیز بیشتر می‌بود.



● حسن نائب‌هاشم

می‌دانید که گزارش‌گرهای ویژه موضوعی، مسئول گزارش‌گری موضوع معینی (برای مثال شکنجه) در ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل هستند. بنابراین در بسیاری از موارد قادر نیستند به مصداق‌ها در کشور معین بپردازند، مگر آن‌که از جانب کشور مفروضی برای دیدار دعوت شوند. در حالی‌که گزارش‌گر ویژه کشوری و در مورد ما دکتر احمد شهید، گزارش‌گر همه موارد نقض حقوق بشر در زمینه‌های مختلف در کشور معین است. از زمانی که پست گزارش‌گری ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی تعریف شده و مسئولیت آن به احمد شهید واگذار شده است، قربانیان، شاهدان و مدافعان حقوق بشر ملجاء و تکیه‌گاهی پیدا کرده‌اند که موارد نقض حقوق بشر را به مرجع مسئولی برای پیگیری ارائه دهند و دکتر احمد شهید هم انصافاً در چهارچوب مقررات تعیین شده از سوی سازمان ملل برای انجام وظایفش، مسئولیت خود را به نحو احسن انجام داده است.

» خبرها



کانون مدافعان حقوق بشر: مولوی عبدالحمید اسماعیل‌زهی از سوی کانون مدافعان حقوق بشر به عنوان برنده جایزه «تلاش‌گر حقوق بشر» سال ۱۳۹۳ هجری شمسی معرفی شد. کانون مدافعان حقوق بشر از سال ۱۳۸۶ هر سال از میان تلاش‌گران حقوق بشر، یک نفر را به عنوان برنده جایزه تلاش‌گر حقوق بشر معرفی می‌کند. این جایزه در روز جهانی حقوق بشر - ۱۰ دسامبر - اهدا می‌شود. جایزه تلاش‌گر حقوق بشر در سال ۱۳۹۳ به پاس تلاش‌های بی‌وقفه و پی‌گیرانه مولوی عبدالحمید در سال‌های گذشته برای برقراری روابط آشتی‌جویانه بین اقوام و گرایش‌های مختلف مذهبی در استان سیستان و بلوچستان به این روحانی برجسته اهل سنت تعلق گرفت. مولوی عبدالحمید به هنگام دریافت جایزه تلاش‌گر حقوق بشر با بیان اینکه محور فکر و فعالیت‌هایش، بشریت و انسانیت بوده است، گفت که فکر می‌کند باید تلاش کرد تا آتش جنگ و خون‌ریزی خاموش شود و تمام ادیان، مذاهب و عقاید بتوانند با صلح و آرامش و احترام به عقاید یکدیگر در کنار هم زندگی کنند. مولوی عبدالحمید همچنین توجه به حقوق اقلیت‌ها و اقوام مختلف را امری ضروری دانست و برای جهان و بشریت آرزوی صلح و ثبات کرد.

بی‌بی‌سی فارسی: قوه قضاییه ایران روزنامه اصلاح‌طلب روزان را توقیف کرد. خبرگزاری ایرنا، سه‌شنبه دوم دی ماه خبر داد که حکم توقیف روزان، شام‌گاه روز قبل به دفتر این روزنامه ارسال شده است. ایرنا افزوده که در این حکم، به مطلب و شماره‌ای از روزنامه

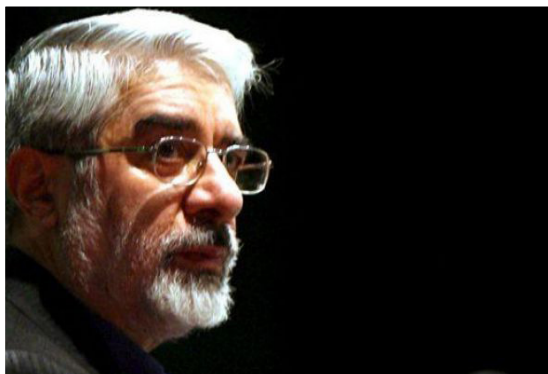


که به توقیف آن انجامیده، اشاره نشده است. شمسی پورمحمدی، مدیرمسئول روزان گفت که حسین انتظامی، معاون مطبوعاتی فرهنگ و ارشاد اسلامی در صحبتی تلفنی با وی تأکید کرده که وزارت ارشاد با توقیف روزنامه موافق نبوده است. وی افزود که احتمالاً توقیف این روزنامه، مربوط به برخی مطالب روزان در روز شنبه ۲۹ آذرماه بوده است. توقیف روزنامه روزان، پس از ۱۹ سال انتشار در استان خوزستان و ۵ سال انتشار در سراسر ایران صورت گرفته است. اگرچه خانم پورمحمدی توضیح بیشتری نداده که کدام یک از مطالب شماره ۲۹ آذر ممکن است منجر به واکنش دادستانی شده باشد، اما در صفحه یک این شماره، به مناسبت پنجمین سالگرد درگذشت آیت الله منتظری، عکس بزرگی از او به چاپ رسیده بود. در شماره

۲۹ آذر، همچنین مجموعه مطالبی در بزرگداشت این مرجع تقلید منتقد حکومت ایران منتشر شده بود. یکی از گزارش‌های این شماره، در مورد فردی است که به «شنود» اظهارات محمد خاتمی و دادن آن به خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران متهم شده است.

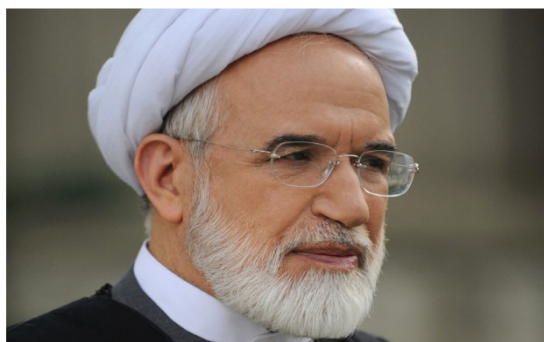
**REPORTERS
WITHOUT BORDERS**
FOR PRESS FREEDOM

سازمان گزارش‌گران بدون مرز، اعمال فشار دستگاه قضایی ایران بر روزنامه‌ها و توقیف روزنامه‌ی اصلاح‌طلب روزان را محکوم می‌کند. این روزنامه در تاریخ ۲ دی ماه ۱۳۹۳ به دستور دادستانی تهران توقیف شد. به گفته‌ی مدیر مسئول این روزنامه «معاون مطبوعاتی فرهنگ و ارشاد اسلامی» با تأیید خبر توقیف این روزنامه گفت که «وزارت ارشاد اسلامی با توقیف روزنامه موافق نبوده و احتمالاً موضوع مربوط به مطالب روزان در روز شنبه ۲۹ آذرماه بوده است». روزان در این تاریخ به مناسبت پنجمین سالگرد درگذشت آیت الله حسین علی منتظری ویژه‌نامه‌ای منتشر کرده بود.



کلمه: میرحسین موسوی در آخرین اظهار نظر خود در حصر خانگی با اشاره به موج تهمت‌ها و دروغ‌پراکنی‌های وسیع روزهای اخیر در رسانه‌ها تاکید کرد: «برانداز کسانی هستند که از جیب مستضعفان و پابرهنگان و فقرا فسادهای عظیم را در کشور ایجاد کرده‌اند». وی اتهام‌زنی‌ها و دروغ‌پردازی‌هایی از قبیل تهمت براندازی و ... را ناشی از بی‌تقوایی و ضعف بهتان‌زندگان دانسته و گفته است: «اینجانب و رهنورد از ابتدای حصر بارها از طریق زندان‌بانان، به مسوولان امر برای حضور در دادگاهی علنی و صالح اعلام آمادگی کرده‌ایم. بنده آماده‌ام تا ضمن پاسخ‌گویی به اتهامات، حقایق مربوط به سرچشمه‌های فساد عظیمی که کشور و انقلاب را در خود غرق کرده است، بیان کنم». میرحسین موسوی که حدود چهار سال است بدون هیچ‌گونه حکمی از دادگاه یا طی شدن روندهای قضایی به همراه همسرش زهرا رهنورد در زندان خانگی محصور است، تاکید کرده که ادعای اخیر تفهیم اتهام، کذب و بی‌معنی است و این دو تا کنون چند بار خواستار حضور یک مقام قضایی برای تعیین وضعیت حقوقی و

همچنین رسیدگی به ورود غیر قانونی و حضور چندماهه بدون مجوز درون منزل شده‌اند، ولی علیرغم قول‌های داده شده، هیچ‌گاه اقدامی صورت نگرفت. میرحسین موسوی همچنین تاکید کرده است که «آنان اگر به جای اتهام‌زنی‌های کذب و بی‌معنا، رشد و بلوغ یک ملت را آشوب عده‌ای بزغاله و گوساله نمی‌خواندند، امروز مجبور نبودند مفاصد بزرگ را انکار کنند و با جنگ‌های روانی و راه اندازی کاروان‌های روایت، افکار عمومی را از خطرات این‌همه فساد و تباهی منحرف سازند».



سحام‌نیوز: خانواده مهدی کروب‌ی در بیانیه‌ای به اظهارات هفته‌های اخیر برخی چهره‌های نزدیک به دولت و حکومت درباره رهبران جنبش اعتراضی و حبس و حصر آنان واکنش نشان داد. خانواده کروب‌ی در قسمتی از این نامه نوشت: «تا به امروز برابر با ۶ دی ماه ۱۳۹۳ احدی از مقامات کشور اعم از رسمی و یا غیر رسمی، تصمیم شورای عالی امنیت در مورد حصر و حبس (البته اگر اساسا تصمیمی در این باب وجود داشته باشد) را به آقای کروب‌ی و یا خانواده اعلام نکرده است. با وجود آن‌که ایشان بارها خواستار ابلاغ دستور قضایی بازداشت و مبنای حقوقی این مجازات خودسر شدند لیکن تاکنون هیچ پاسخی اعم از شفاهی و یا کتبی به ایشان داده نشده، نه ابلاغی شده و نه تفهیم اتهامی صورت پذیرفته، ادعای ابلاغ تصمیم شورای عالی امنیت ملی هم دروغ محض است. در واقع تاکنون هیچ یک از مقامات عالی قضایی رسماً مسوولیت بازداشت و حبس غیر قانونی عزیزمان را بر عهده

نگرفته‌اند. شاید همین سردرگمی و استیصال است که شاهد سخنان متناقض‌شان هستیم به نحوی که یکی از مبرهن بودن حکم اعدام سخن می‌گوید و دیگری حصر را اقدام تامینی برای حفظ جان محصورین می‌داند. ادعای تفهیم اتهام از سوی شورای عالی امنیت ملی نشانی جز بلاهت صاحب سخن نداشته و ندارد؛ زیرا تفهیم اتهام امری است قضایی و باید توسط مقام قضایی صورت پذیرد، اما بر فرض اداره مملکت به روش حسین قلی خانی هم باید اذعان کنیم که این شورا تاکنون چنین نکرده؛ زیرا همچون خود عمارپندان هنوز سفاکت و بلاهت از شروط اصلی عضویت در آن نهاد تعیین نگردیده است».

خبرگزاری میزان: معاون رییس کل دادگستری استان تهران گفت: بعضی از مجازات‌ها می‌تواند جایگزین اعدام باشد. عباس ذاقلی گفت: «در بعضی از جرایم مانند مواد مخدر، می‌توان مجازات جایگزین اعدام در نظر گرفت و مجازات اعدام را به مجازات های دیگر تغییر داد. بعضی از مجازات های اعدام حدی هستند بنابراین این مجازات هارا نمی توان تغییرداد.» معاون رییس کل دادگستری استان تهران با بیان اینکه بعضی از اعدام ها تعزیری است و می توان مجازات های دیگری برای آنها پیش بینی کرد تصریح کرد: «این مجازات ها شامل برخی از جرایم تعزیری مانند مواد مخدر و غیره است.»



ایستنا: محمدباقر ذوالقدر، معاون راهبردی قوه قضاییه گفت: «از نظر تعداد زندانی جزو ۱۰ کشور اول هستیم. پیشگیری از وقوع جرم اگر برای کشور ما یک امر ضروری باشد که هست، برای قوه قضاییه یک امر واجب و اجتناب‌ناپذیر است. برای کشور ضروری است؛ زیرا وضعیت شیوع جرایم و بزه در جامعه وضع قابل قبولی ندارد؛ یعنی با توجه به آرمان‌ها و اهدافی که برای جامعه تعیین شده این میزان جرم و معضل شایسته جامعه دینی و انقلابی ما نیست. این میزان فتنه در جامعه‌ای که قرار است سالم و الگو برای همه باشد قابل قبول نیست. ما شاخص‌هایی برای وضعیت سنجش جرم در جامعه داریم و آنها نشان می‌دهند که وضعیت، وضعیت مطلوبی نیست. گزارش‌های ناجا یکی از شاخص‌های سنجش ماست و این گزارش‌ها حاکی از نابسامانی در کشور است. شاخص دیگر، وضعیت پرونده‌ها در دستگاه قضایی است. با رشد تصاعدی در پرونده‌ها روبه‌رو بوده‌ایم که این موضوع هشداردهنده است. شاخص دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، گزارش‌هایی است که نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی کل کشور ارایه می‌کنند که این گزارش‌ها نیز در شأن جامعه ما نیست و برخی از این گزارش‌ها

همان پرونده‌های فساد است که نشان می‌دهد وضع جامعه ما مطلوب نیست. شاخص دیگر آمار زندانیان است که اگر به آن مراجعه کنیم متوجه می‌شویم که این شاخص نیز در شأن جامعه ما نیست. ما از نظر تعداد زندانیان جزو ۱۰ کشور اول هستیم و همه این‌ها نشان می‌دهد پیشگیری از وقوع جرم در جامعه ما یک امر ضروری است».

پرونده یک مجازات اعدام قاچاقچیان مواد مخدر در ایران

سالانه صدها نفر در ایران به خاطر جرائم مربوط به مواد مخدر اعدام می‌شوند. به گفته مقامات قضایی جمهوری اسلامی ایران این دسته از جرائم ۸۰ درصد اعدام‌ها را در بر می‌گیرند. در طی سال‌های گذشته اعدام این دسته افراد روند فزاینده‌ای به خود گرفته است. مقامات قضایی ایران همچنین اعلام می‌کنند که مجبور به اجرای این حکم هستند و آن را به عنوان خدمتی به دنیا، به ویژه کشورهای اروپایی، در نظر می‌گیرند به خاطر مبارزه به قاچاق مواد مخدر. سازمان ملل و بسیاری از کشورهای اروپایی برای مبارزه با مواد مخدر کمک مالی قابل توجهی به دولت ایران می‌کنند، اما نتیجه این کمک‌ها به افزایش بیش‌تر اعدام منجر می‌شود. طی هفته‌های گذشته به خاطر فشارهای بین‌المللی چند سال اخیر شاهد تغییری در ادبیات برخی مردان قضایی در رابطه با لغو اعدام قاچاقچیان مواد مخدر و مجازات‌های جایگزین برای آن‌ها بوده‌ایم. هر چند که این زمره‌ها نیز با مخالفت برخی مسئولان از جمله رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور صورت گرفته است. مدافعان حقوق بشر امید دارند که زمره‌های هفته‌های اخیر به تغییر حکم اعدام برای قاچاقچیان موارد مخدر و امکان مجازات‌های جایگزین برای آن‌ها منجر شود، که در این صورت شاهد کاهش قابل توجه شمار اجرای حکم اعدام در ایران خواهیم بود. مجازاتی که از آن به عنوان مجازاتی بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز یاد می‌شود.

افزایش اعدام در جرایم مربوط به مواد مخدر در ایران

اعدام مردم در ایران با کمک مالیات‌دهندگان کشورهای اروپایی



● شیدا جهان‌بین



«ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران»^۱ تشکیلاتی است که ریاست آن را رئیس‌جمهور بر عهده دارد. این ستاد از سال ۱۳۶۷ و با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام برای برنامه‌ریزی، نظارت، هماهنگی و پی‌گیری مسایل مربوط به مقابله با عرضه مواد مخدر، پیش‌گیری از اعتیاد به مواد مخدر و درمان آن راه‌اندازی شده است. این ستاد دارای دبیرخانه، دبیرکل و تعدادی اداره‌کل و دفاتر تخصصی است تا نسبت به پی‌گیری مضوبات، تشکیل جلسات و کارشناسی امور مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها اقدام کند. اعضای اصلی ستاد مبارزه با مواد مخدر را رئیس‌جمهور (رئیس ستاد)، وزیر کشور (دبیرکل ستاد)، دادستان کل کشور، وزیر اطلاعات، وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی، وزیر آموزش و پرورش، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان صدا و سیما، فرمانده نیروی انتظامی، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تهران، رئیس سازمان زندان‌ها و فرمانده نیروی مقاومت بسیج تشکیل می‌دهند. این ستاد دستاوردهایی نیز داشته است؛ اما چیزی که بیش از هر مورد دیگری ذهن را مشغول می‌کند، عدم تلاش این سازمان و دیگر نهادهای مربوط به جرایم مواد مخدر برای اصلاح قوانین در این زمینه است، به طوری که به شکل پیوسته آمار بازداشت‌شدگان مرتبط با مواد مخدر از ایران بالا رفته و در نتیجه اعدام‌های بیش‌تری نیز رخ می‌دهد. از آنجایی که ایران در همسایگی کشوری مانند افغانستان قرار دارد، سازمان ملل به شکل سالیانه مبلغی را به ایران کمک می‌کند تا مسؤولان ایرانی از آن برای کنترل عرضه مواد مخدر استفاده کنند. اسناد سازمان ملل نشان می‌دهد که این سازمان بیش از ۱۵ میلیون دلار به دولت ایران کمک مالی کرده است تا پلیس مبارزه با مواد مخدر آن را صرف عملیات کنترل عرضه مواد مخدر، آموزش متخصص، کسب اطلاعات، خرید کامیون، اسکنرهای بدن، دوربین‌های مخصوص دید در شب، سگ‌های تشخیص‌دهنده مواد مخدر و ایجاد پاسگاه‌های مرزی و مرزبانان کند. مسؤولان ایرانی اما نه تنها تمام مبلغی که سازمان ملل در این راستا به ایران کمک می‌کند را صرف تجهیز کردن نیروهای خود نمی‌کنند؛ بلکه آمار نشان می‌دهد هر چه مبلغ کمک به ایران بیش‌تر بوده، آمار اعدام در ایران نیز بالاتر رفته است. دیده‌بان حقوق بشر، سازمان حقوق بشر ایران، ائتلاف جهانی علیه مجازات اعدام، سازمان بین‌المللی کاهش آسیب، بنیاد عبدالرحمن برومند و سازمان ره‌پرو؛ شش سازمان غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر هستند که روز جمعه ۲۸ آذر (۱۹ دسامبر) در نامه‌ای از اداره مبارزه با قاچاق مواد مخدر

ایران با حدود ۹۴۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان، در همسایگی کشوری است که از آن به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک و مواد مخدر در جهان یاد می‌شود. سالانه هزاران تن مواد مخدر در این کشور تولید و توسط مافیای بین‌المللی مواد مخدر به دیگر کشورهای جهان منتقل می‌شود. به همین دلیل نه تنها مردم افغانستان در زمینه مواد مخدر با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند؛ بلکه کشورهای هم‌جوار آن مانند ایران و پاکستان نیز با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند و با زبان‌های گسترده‌ی روبه‌رو هستند. بحران استفاده از مواد مخدر مساله‌ای جدی در سطح بین‌المللی است؛ اما چگونگی برخورد با تولیدکنندگان، پخش‌کنندگان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر مساله‌ای است که سیاست‌های داخلی در کشورهای مختلف به آن می‌پردازد. بر اساس قوانین جزایی ایران؛ تولید، قاچاق و یا حمل پنج کیلوگرم تریاک یا بیش‌تر و ۳۰ گرم یا بیش‌تر هرویین، مرفین و یا مواد روان‌گردان ترکیبی خاص و غیر طبی مانند شیشه، با مجازات «اعدام» روبه‌رو می‌شود. این در حالی است که تعداد افرادی که با جرایم مربوط به مواد مخدر بازداشت و سپس با حکم اعدام مواجه می‌شوند، در کشور ایران رو به افزایش است. چندی پیش، سخنان سران جمهوری اسلامی ایران امید کاذبی در دل فعالان حقوق بشر ایجاد کرد. نیمه اول آذرماه سال ۱۳۹۳ محمد جواد لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه سخن از تغییر قانون در مورد جرایم مربوط به مواد مخدر به میان آورده و اعلام کرد که حکم اعدام برای افرادی که با جرایم مربوط به مواد مخدر بازداشت می‌شوند، لغو خواهد شد. به گفته لاریجانی، در صورت ابلاغ چنین لایحه‌ای به مجلس و تصویب آن توسط نمایندگان، تا هشتاد درصد از میزان اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر کاسته خواهد شد. این در حالی است که حدود یک هفته پس از اعلام این خبر، ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران گزارش داد که علی‌رضا جزینی قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر با لغو مجازات اعدام برای جرایم مربوط به مواد روان‌گردان مخالفت و یادآوری کرده که هرگونه تغییری در قانون باید به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام برسد. جزینی همچنین گفت: «این مساله را به خارجی‌ها نیز منتقل کرده‌ایم. برخی کشورها حتی به دنبال طرح این موضوع در سازمان ملل هستند. موضوع در حال بررسی است و هر گونه تجدیدنظر در قانون باید از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت بگیرد».

لاریجانی در مصاحبه با یک رسانه‌ی خارجی قابل مشاهده است؛ اظهاراتی که هیچ پشتوانه عملی و اجرایی ندارد و دیگر مسؤولان جمهوری اسلامی به صورت قاطع آن را در داخل کشور رد می‌کنند. گروه‌های حقوق بشری از وجود لایحه‌ای که در انتظار تصویب مجلس است و قرار است به اعدام مجرمان مواد مخدر خاتمه دهد و یا حتی شمار آن را کاهش دهد، اطلاعی ندارند. این در حالی است که شهروندان کشورهای کمک‌کننده به ایران، بی‌خبر از همه چیز؛ دست در اعدام هزاران انسان در کشوری مانند ایران دارند. این کمک‌ها با این‌که منجر به بازداشت برخی از تولیدکنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر می‌شود؛ اما در بسیاری از موارد هم منجر به اعدام این افراد می‌شود که این امر با قوانین و فرهنگ کلی مردم کشورهای کمک‌کننده در تضاد است. مایا فوا سرپرست سازمان رپریو در همین رابطه گفته است: «مایه شگفتی‌ست که علیرغم افزایش بی‌سابقه‌ی شمار اعدام‌های مرتبط با جرایم مواد مخدر در ایران، سازمان ملل هم‌چنان به کمک مالی به ایران برای عملیات مبارزه با مواد مخدر ادامه می‌دهد. چند نفر دیگر باید به دار آویخته شوند تا سازمان ملل چشمانش را بر نتایج مرگ‌بار روش کنونی خود باز کند و حمایت مالی خود را مشروط به توقف اعدام مجرمان مواد مخدر کند؟».

بر اساس گزارش ۴۴ صفحه‌ای سازمان رپریو؛ فرانسه از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۱۴ میلغ ۱۳,۳۷۱,۹۳۸ دلار؛ ایتالیا از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۱۴ میلغ ۲,۳۱۲,۰۷۷ دلار؛ کشور انگلستان از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۱۲ میلغ ۹,۰۱۱,۶۵۱ دلار؛ دانمارک از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۳ میلغ ۷۱۲,۶۴۰ دلار؛ ایرلند از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۱۲ میلغ ۶۸۳,۸۵۸ دلار؛ بلژیک از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۱۱ میلغ ۶۹۱,۵۵۶ دلار؛ آلمان از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۰۷ میلغ ۵۲,۹۷۲ دلار و بلغارستان از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۰۶ میلغ ۵۲,۱۳۶ دلار به ایران برای پیش‌برد اهداف مرتبط با جلوگیری از پخش مواد مخدر کمک کرده‌اند.^۳ به گزارش رپریو، ایران بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴ شاهد ۳۵۴۸ مورد اعدام مرتبط با جرایم مواد مخدر بوده است. ژوئیه ۱۹۹۹ مصادف با زمانی است که سازمان ملل متحد و دولت ایران برای تاسیس دفتر مقابله با مواد مخدر و

جرم سازمان ملل در ایران به توافق رسیده و این دفتر تاسیس شد. به این ترتیب می‌توان تمام کشورهای کمک‌کننده به ایران را در اعدام این ۳۵۴۸ نفر سهیم دانست. این گزارش اعلام کرده است که از سال ۱۹۷۹ تا کنون، دست کم ۱۰ هزار اعدام مرتبط با جرایم مواد مخدر در ایران رخ داده که رقمی قابل توجه است. هر چند سازمان ملل به عنوان بزرگ‌ترین سازمان نظارت‌کننده بر رعایت موازین حقوق بشر در دنیا مشغول به فعالیت است، اما بر اساس آن چه در ایران رخ داده، این سازمان به صورت غیرمستقیم در اعدام هزاران نفر در ایران

نقش دارد و این مساله کاملاً با موازین سازمان مزبور در تضاد است و آن را از سازمانی مدافع حقوق بشر، به سازمانی ناقض حقوق بشر تبدیل می‌کند.

سازمان ملل خواستند تا بر اساس راهنمای حقوق بشر این سازمان تا زمانی که دولت ایران مجازات اعدام مجرمان مواد مخدر را لغو نکرده است، حمایت خود از ایران را موقتاً تعلیق کرده یا دست از این حمایت بردارد. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در ایران در ژوئیه ۱۹۹۹ در پی امضای یادداشت تفاهم بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد تاسیس شد. هدف از تاسیس این دفتر ارایه کمک فنی به ایران برای کاهش عرضه و تقاضای مواد و گسترش حاکمیت قانون بود.^۲ درخواست این شش سازمان حقوق بشری، در پی اعدام ۱۸ متهم به قاچاق مواد مخدر در ایران در روز ۱۲ آذر (۳ دسامبر) مطرح شد. پس از اعدام این افراد، شمار اعدام‌شدگان جرایم مربوط به مواد مخدر در سال جاری میلادی در ایران به ۳۱۸ نفر رسیده است. این در حالی است که سال گذشته، سازمان‌های غیر دولتی «عدالت برای ایران»، «همه با هم علیه اعدام»، «حقوق بشر ایران»، «عرصه سوم» و «مرکز اسناد حقوق بشر ایران» با ارسال نامه به دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، اتحادیه اروپا، احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران و دولت‌های نروژ، کانادا، بریتانیا، آلمان، لهستان، بلژیک، ایرلند و ژاپن از آنها خواسته بودند تا کمک‌های خود به برنامه مبارزه با مواد مخدر ایران را مورد

بازبینی قرار دهند. در همین راستا بریتانیا، ایرلند و دانمارک تا کنون اعلام کرده‌اند که حمایت‌های مالی خود از مبارزه با مواد مخدر در ایران را قطع می‌کنند. سال‌های زیادی است که کشورهای اروپایی از ایران و پاکستان به عنوان نمونه‌ی خوبی در زمینه مقابله با مواد مخدر یاد می‌کنند. حمایت‌های مالی آن‌ها اگر چه تا حدی صرف مقابله با گسترش مواد مخدر در ایران و از ایران به دیگر نقاط جهان می‌شود؛ اما این کمک‌ها برای اعدام هزاران نفر که با جرایم مربوط به مواد مخدر بازداشت شده‌اند نیز مصرف می‌شود. این در حالی است که کشورهای کمک‌کننده، اعدام را امری غیرانسانی و خلاف حقوق بشر می‌خوانند و در کشورهای خود، چنین حکمی را صادر و اجرا نمی‌کنند. موضوع اصلی این‌جاست که سازمان ملل متحد به طور غیرمستقیم در اعدام بازداشت‌شدگان جرایم مربوط به مواد

M&E

Europe's counternarcotic aid to Iran, drug offenders executed



اسناد سازمان ملل نشان می‌دهد که این سازمان بیش از ۱۵ میلیون دلار به دولت ایران کمک مالی کرده است تا پلیس مبارزه با مواد مخدر آن را صرف عملیات کنترل عرضه مواد مخدر، آموزش متخصص، کسب اطلاعات، خرید کامیون، اسکنرهای بدن، دوربین‌های مخصوص دید در شب، سگ‌های تشخیص‌دهنده مواد مخدر و ایجاد پاسگاه‌های مرزی و مرزبانان کند. مسئولان ایرانی اما نه تنها تمام مبلغی که سازمان ملل در این راستا به ایران کمک می‌کند را صرف تجهیز کردن نیروهای خود نمی‌کنند؛ بلکه آمار نشان می‌دهد هر چه مبلغ کمک به ایران بیش‌تر بوده، آمار اعدام در ایران نیز بالاتر رفته است

مخدر در ایران نقش دارد و این با سیاست‌های این سازمان در تضاد است؛ چرا که اعدام یعنی گرفتن حق حیات از انسان و این به صورت بنیادین از مصادیق بارز نقض حقوق بشر به شمار می‌رود. سال گذشته، دولت دانمارک اعلام کرد که این کشور در ارزیابی‌های خود به این نتیجه رسیده که کمک‌های مالی به جمهوری اسلامی، منجر به زندانی‌ها و اعدام‌های بیشتری می‌شود و «اعدام و زندانی کردن افراد در شرایط غیرانسانی کاری نیست که مالیات‌دهندگان دانمارکی از آن حمایت کنند». در نامه‌ای که اخیراً ۶ سازمان حقوق بشری خطاب به سازمان ملل نوشته‌اند، ذکر شده که حمایت مالی این سازمان از مبارزه با مواد مخدر در ایران «بی‌تاثیر و حتی با تاثیر معکوس» بوده است. این گروه‌ها به سازمان ملل هشدار می‌دهند که شکاف بزرگی میان اظهارات رسمی ایران و واقعیت نظام قضایی آن وجود دارد و نمونه‌ای از این شکاف در سخنان

سیاست کیفری اعمالی جمهوری اسلامی ایران در جرایم مرتبط با مواد مخدر



● نقی محمودی / حقوقدان

مقدمه - جرایم مرتبط با ناشی از مواد مخدر یکی از مباحث و موضوعات مهم و از جمله دغدغه‌های عمده‌ی دولت‌ها در تمام کشورهای دنیاست. همه‌ی کشورها به نوعی در ارتباط با کشت، تولید، توزیع، مصرف و قاچاق مواد مخدر و همچنین در یکی از عمده‌ترین جرایم ناشی از مواد مخدر یعنی تطهیر و پول‌شویی، درگیرند. ایران از سویی به خاطر موقعیت جغرافیایی خود در منطقه‌ی خاورمیانه و از سوی دیگر همسایگی با افغانستان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده‌ی مواد مخدر در جهان از اهمیت فوق‌العاده‌ی برخوردار

بوده و بیشترین انتقال مواد مخدر به اروپا از خاک آن صورت می‌گیرد. سیاست به زبان ساده عبارت از درک، تدبیر و اداره‌ی مسایل و امور جامعه است. بدین سان، سیاست جنایی از یک سو با تجزیه، تحلیل و فهم یک امر خاص در جامعه، یعنی پدیده‌ی مجرمانه و از سوی دیگر با عملی ساختن یک استراتژی (راهبرد) به منظور پاسخ به وضعیت بزهکاری در ارتباط است. هدف از این مقاله، بررسی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی و کیفری ایران در قبال مواد مخدر و بررسی این موضوع است که سیاست جنایی ایران در قبال مواد مخدر بیشتر به مرحله‌ی پس از وقوع جرم یعنی مجازات و سرکوب می‌پردازد و به مرحله‌ی قبل از وقوع جرم که همانا پیشگیری از وقوع آن است، توجه کم‌تری داشته است.

● سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران در قبال جرایم مرتبط با مواد مخدر

پس از تغییر رژیم در سال پنجاه و هفت در ایران و آغاز حاکمیت اسلامی، به دلیل تازه کار بودن دولت جدید و مشغولیت‌های فراوانی که در تثبیت حاکمیت وجود داشت، از توجه به امر اعتیاد غفلت شد و دو مساله باعث تشدید اعتیاد در کشور شد: یک - در نخستین سال‌های حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران، به دلیل آن که از نظر شرع فتوایی بر حرمت مصرف تریاک و سایر مواد مخدر وجود نداشت، در تصویب قوانین مرتبط با اعتیاد، خرید، فروش و قاچاق مواد مخدر اقدامی صورت نگرفت و از این رو در آن فضای حاکم بر کشور، قانون‌گذار در صدد منع مطلق آن و برخورد با اعتیاد نبود. دو- سیستم توزیع کوپنی تریاک به یادگار مانده از رژیم قبلی، سیستم مناسبی به شمار می‌آمد؛ لذا رژیم اسلامی هم در همین راستا حرکت کرد و در اوایل انقلاب با کشت مواد مخدر در داخل موافقت نمود، ولی به دلیل عدم کنترل کشت، علاوه بر موجودی انبارها، مواد دیگری هم از سوی کشاورزان کشت و بر میزان قبلی افزوده شد. بدین ترتیب، تولید بیشتر به مصرف بیشتر منجر شد که نتایج زیان‌باری به همراه داشت. به موجب مصوبه‌ای در سال ۵۸ تریاک‌هایی که توسط کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران کشف می‌شد، به وزارت کشاورزی و عمران روستایی فروخته شده و وجه آن به کمیته مرکزی امام پرداخت می‌شد. اولین متن قانونی مبنی بر مبارزه با کشت، تولید، ساخت، وارد کردن و خرید و فروش مواد مخدر در سال ۵۹ تصویب و به مرحله اجرا گذاشته شد. این قانون که «تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین» نام داشت، قانونی ناقص ولی در عین حال مشتمل بر مجازات‌های شدید بود. در این قانون، به خاطر کشت خشخاش برای بار اول، مجازات حبس و در صورت تکرار، مجازات اعدام در نظر گرفته شد. همچنین مصادره‌ی اموال محکومین نیز از مجازات‌های مقرر در این قانون بوده و رسیدگی به این جرایم به دادگاه‌های انقلاب واگذار شد. دومین قانون مرتبط با جرایم مواد مخدر در سال ۶۷ تصویب شد. این قانون

نسبت به قانون قبلی کامل‌تر محسوب می‌شد. با این حال پس از گذشت چند ماه از تاریخ تصویب، دست‌خوش اصلاحات شد. در حال حاضر قانون حاکم بر مواد مخدر در سال ۸۹ تصویب شده است. طبق ماده چهار این قانون، «هر کس بیش از پنج کیلو بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد به اعدام و مصادره‌ی اموال ناشی از همان جرم محکوم می‌شود». همچنین طبق ماده هشتم همین قانون «هر کس بیش از سی گرم هروین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا لیزرژیک اسید دی اتیل آمید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آمفتامین (ام.دی.ام.آ. یا آکستاسی)، گاما هیدروکسی بوتیریک اسید (جی.اچ.بی)، فلوئنتراپام، آمفتامین، مت آمفتامین (شیشه) و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را وارد کشور کند و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند، به اعدام و مصادره‌ی اموال ناشی از همان جرم محکوم می‌شود».

● نقش سپاه پاسداران در قاچاق مواد مخدر

علی‌رغم ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر مبارزه با جرایم مرتبط و ناشی از مواد مخدر، هر روز شاهد گسترش قاچاق و خرید و فروش مواد مخدر هستیم؛ تا جایی که مواد مخدر در اکثر پارک‌های شهرهای بزرگ به سهولت خرید و فروش می‌شود. افرادی به عنوان ساقی نیز هستند که انواع مواد مخدر را از طریق تماس تلفنی، در منزل به خریداران تحویل می‌دهند. بر اساس گفته‌های مسوولان دولتی از جمله مدیرکل دفتر پیشگیری بهزیستی کشور، سن اعتیاد در ایران پایین آمده و روندی نزولی دارد، به طوری که سن شایع برای اعتیاد در ایران تقریباً دوازده سال تخمین زده می‌شود. با این حال سوالی که در ذهن هر پرسش‌گری ایجاد می‌شود این است که با وجود چنین قوانین سخت‌گیرانه و اعدام گسترده‌ی قاچاق‌چیان و فروشندگان مواد مخدر، چرا شاهد کاهش آمار مصرف و خرید و فروش نیستیم؟ روزنامه‌ی انگلیسی تایمز در شماره ی ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱ خود در مطلبی مفصل با استناد به سخنان مقامات پیشین اطلاعاتی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران، از نقش مرکزی سپاه پاسداران در قاچاق مواد مخدر در ایران و خارج آن نوشت. به نوشته‌ی تایمز، قاچاق مواد مخدر سالانه میلیاردها دلار نصیب سپاه پاسداران ایران می‌کند، تا جایی که هم اکنون سپاه انحصار قاچاق مواد مخدر در ایران را در دست گرفته است و با شبکه‌های تبهکار در جهان ارتباط دارد. سجاد حق‌پناه از مقامات پیشین حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران به نشریه‌ی تایمز گفته است که قاچاق مواد مخدر نزد فرماندهان سپاه پاسداران به امری فراگیر تبدیل شده و شماری از فرماندهان سپاه پاسداران مستقیماً در قاچاق مواد مخدر دست دارند. سجاد حق‌پناه گفته است که سپاه پاسداران، تریاک افغانستان را در داخل ایران به هروئین و مرفین تبدیل و در همکاری با باند‌های تبهکار، آن را به سراسر جهان قاچاق می‌کند. مسوول پیشین حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران گفته است که سپاه در این قاچاق از لجستیک خاص خود شامل شرکت‌های کشتیرانی و هواپیمایی استفاده می‌کند و در عمل قدرتی نامحدود دارد.

● نتیجه‌گیری

با تدقیق در مواد چهارم و هشتم قانون مبارزه با مواد مخدر در می‌یابیم که علی‌رغم اعمال مجازات شدید در خصوص جرایم مرتبط با مواد مخدر، شاهد کاهش آمار مصرف و قاچاق مواد مخدر نیستیم. بدین ترتیب بار دیگر عدم تأثیر مجازات اعدام در بازدارندگی از ارتکاب جرایم ثابت می‌شود. همچنین اعمال مجازات اعدام در جرایم مرتبط با مواد مخدر، تناسبی با جرایم ارتكابی ندارد. مجازات اعدام برای جرایمی اعمال می‌شود که در ردیف جرایم جنایات باشد؛ در حالی که جرایم مرتبط با مواد مخدر در این دسته قرار نمی‌گیرند. همچنین یک مرحله‌ای بودن رسیدگی به این دسته از جرایم و قطعیت آرای صادر از دادگاه‌های انقلاب، شایه‌ی دادرسی ناعادلانه را تقویت می‌کند.

اعدامیان افغان؛ زندانیان فراموش شده



• آیدا قجر

سالانه صدها نفر به جرم قاچاق مواد مخدر در ایران اعدام می‌شوند که شماری از آن‌ها افغان هستند. نه جمهوری اسلامی و نه دولت افغانستان، آمار مشخصی از تعداد زندانیان افغان که به چنین اتهامی محکوم به اعدام شده‌اند، ارائه نمی‌شود؛ اما دست‌کم ۱۱ افغان در سال جاری اعدام شده‌اند که جرم ۱۰ نفر آن‌ها قاچاق مواد مخدر و یک نفر دیگر، قتل بوده است. هر چند در فروردین ماه سال ۹۰ ایران و افغانستان موافقت‌نامه استرداد مجرمان را امضا کردند؛ اما این موافقت‌نامه تنها برای مجرمانیست که از سوی حکومت افغانستان مورد پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر از نظر فرهنگی، مواد مخدر در افغانستان مورد تقبیح قرار نمی‌گیرد؛ چراکه یکی از پایه‌های اقتصاد کشور، کشت خشخاش است و کشاورزان بسیاری روی زمین‌هایشان به شکل قانونی مشغول به کار هستند. از همین‌رو در تصور عامه‌ی مردمی که گاه معیشت‌شان به کشت خشخاش وابسته است، اعدام به اتهام جرمی مربوط به این گیاه چندان قابل درک نیست. مسالهی اعدام افغان‌ها در ایران اما مشکلیست که به گفته‌ی محمد اولیایی فرد، حقوق‌دان و وکیل دادگستری از «اقامت» آن‌ها شروع می‌شود و به اعدام برخی‌شان می‌رسد. به طوری‌که پرونده‌ی مهاجران افغان برابر با قوانین بین‌المللی رسیدگی نمی‌شود و وضعیت آن‌ها را در حالت «نامعلوم» و «مبهم» قرار می‌دهد: «اگر یک افغان برای پناهندگی به ایران می‌آید، طبق قوانین بین‌المللی باید پرونده‌ای برای او باز شود تا جواب بگیرد که پذیرفته شده و شهروند است یا خیر. هیچ‌کدام از این‌ها در ایران نیست. حتی مشخص نیست که اگر اقامت دارند، اقامت آن‌ها بر چه اساسی صادر شده؛ ویزای کار، تحصیلی یا توریستی دارند؟». یکی از مشکلات افغان‌ها، مسالهی تحصیل فرزندان آن‌هاست. افغان‌هایی که با زنان ایرانی ازدواج کرده و دارای فرزند هستند، حتی اگر کودک آن‌ها در ایران متولد شده باشد، نمی‌تواند مانند دیگر

تعدادی از آن‌ها نیز پیش از آن‌که به جرم قاچاق مواد مخدر محاکمه و محکوم شوند، زیر ضربه‌های بازجویان کشته می‌شوند. آمار این کشته‌شدگان نیز تاکنون مشخص نشده و مسوولان نیز به این اتفاق، اذعان ندارند. اولیایی فرد معتقد است که ناآگاهی افغان‌ها از مسایل حقوقی باعث پیش آمدن چنین برخوردهایی می‌شود؛ در حالی‌که یک زندانی ایرانی تا حدودی به حقوق خود آشناست. از طرف دیگر بازجو یا ضابط می‌داند که اگر آسیبی به زندانی یا متهم ایرانی وارد کند، خانواده‌ی وی و رسانه‌ها این مساله را پیگیری خواهند کرد؛ اما زمانی‌که فردی افغان را بازداشت می‌کنند «او را فردی بی‌پشت و پناه به حساب می‌آورند»: «یعنی اصلا مهم نیست که فرد افغان که بازداشت شده، آدم است یا خیر و اگر بمیرد چه خواهد شد. این دغدغه وجود دارد که یک ضابط و مامور پلیس، هنگامی‌که فردی افغان را به هر جرمی دستگیر می‌کند، مطمئن است که این مجرم پشتیبانی ندارد. از آنجایی‌که اطلاعات حقوقی نیز ندارد، هر چه به او بگویند، اقرار می‌کند؛ حتی کاری را که نکرده است». این وکیل دادگستری ادامه داد: «فرض بگیریم که بخواهند یک زندانی افغان را مانند جرایم خرد دیگر، آزاد کنند. این زندانی که دوره‌ی بازجویی خود را گذرانده، قرار است که به قید کفالت و وثیقه آزاد شود اما او کسی را ندارد که برایش سند گذاشته و او را ضمانت کند. در نتیجه در زندان می‌ماند و فراموش می‌شود؛ چراکه پشتیبانی ندارد. در برخی موارد اگر قرار بوده که یک زندانی افغان پس از گذراندن ۲ ماه حبس آزاد شود، ۵ سال در زندان مانده». به گفته‌ی اولیایی فرد، از سوی دیگر از آنجایی‌که پولی برای زندانیان افغان ارسال نمی‌شود، آن‌ها عموماً در زندان با مشکلات معیشتی روبه‌رو هستند. در دیگر نمونه از محدودیت‌ها برای زندانیان افغان می‌توان به حق داشتن وکیل اشاره کرد که بسیاری از افغان‌ها، از آن محروم هستند. در جمهوری اسلامی تنها مجازات اعدام است که داشتن وکیل را الزامی می‌کند. در جرایم زیر اعدام اما داشتن وکیل امری اختیاریست. سوال آن‌جاست که زندانی افغان که حتی معیشت‌اش در زندان با مشکل روبه‌روست، چطور می‌تواند از پرداخت هزینه‌ی وکالت برآید، خصوصاً که به گفته‌ی اولیایی فرد وکالت در پرونده‌های قاچاق مواد مخدر مانند پرونده‌های حقوق بشری «مجاناً» نیست. اولیایی فرد در مورد وکالت برای افغان‌ها می‌گوید: «معمولاً وکالت افغان‌ها پذیرفته نمی‌شود. نمی‌گویم که این مساله مطلق است اما من تا به حال در دادگاه انقلاب و کیلی را ندیدم که بگوید موکل من فلان قاچاقچی افغان است. البته ممکن است که خودشان هم برای تقاضای وکالت مراجعه نکنند. درست است که در پرونده قاچاق مواد مخدر الزامی به وجود وکیل نیست اما بهتر است که زندانیان وکیل داشته باشند. اما شاید خود افغان‌ها هم فرهنگ مراجعه به وکیل را نداشته باشند. یعنی حتی اگر حامی و پول کافی در اختیار داشته باشند، شاید فرهنگ آن را نداشته باشند».

این وکیل دادگستری معتقد است که مواجهه‌ی افغان‌ها با احکام سنگین باعث ایجاد فساد و افزایش جرم می‌شود؛ چراکه اگر زندانی دارای خانواده باشد، این امکان وجود دارد که تمام مدتی که او در زندان است، خانواده‌اش با توجه به شرایط یک خانواده‌ی افغان و محرومیت‌هایی که با آن مواجه‌اند، روی به جرم و جنایت آورند. زن و دختر وی در جامعه‌ی ایران بدون حامی خواهند ماند».

عدم داشتن اطلاعات کافی و حقوقی برای افغان‌ها معضل دیگری را نیز به همراه دارد: «آن‌ها سواد برای تجدیدنظر ندارند. کسی را هم ندارند که برایشان لایحه تنظیم کرده و پیگیر وضعیت‌شان باشد. اگرچه ظرفیت‌های قانونی حد فاصل حکم هم مانند آزادی مشروط یا تعلیق وجود دارد؛ اما هیچ‌کس به دنبال حق آن‌ها نیست. خودشان نیز سواد ندارند. در واقع اگر یک زندانی افغان امکان آزادی داشته باشد، خودش اطلاعی ندارد، در نتیجه به زندان رفته و فراموش می‌شود».

در میان افغان‌های بازداشت‌شده در ایران، تعدادی هستند که پیش از برگزاری زمان دادگاه و تایید جرم‌شان، توسط بازجوها مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. تعدادی از آن‌ها نیز پیش از آن‌که به جرم قاچاق مواد مخدر محاکمه و محکوم شوند، زیر ضربه‌های بازجویان کشته می‌شوند. آمار این کشته‌شدگان نیز تاکنون مشخص نشده و مسوولان نیز به این اتفاق، اذعان ندارند.

شهروندان ایرانی در مدارس به تحصیل مشغول شود. با توجه به چنین وضعیتی برای افغان‌ها، اولیایی فرد معتقد است که ارتکاب جرم توسط آن‌ها، شرایط را برای‌شان «پیچیده‌تر» می‌کند. این وکیل دادگستری در توضیح این «پیچیدگی» به «حقوق ما» گفت: «به طور معمول زمانی‌که شخصی پناهنده می‌شود، بعد از چند وقت پاسپورت محل اقامت را دریافت می‌کند و شهروند آن کشور می‌شود. اما برای

افغان‌ها طی این پروسه نامعلوم است به همین جهت به شکل قاچاقی وارد خاک ایران می‌شوند و پس از دستگیری، عده‌ای از آن‌ها به کشور خود بازگردانده شده، برخی زندانی و تعدادی نیز پذیرفته می‌شوند. این پیچیدگی در وضعیت اقامت افغان‌ها، بر اعمال و رفتارشان نیز تاثیر می‌گذارد». در میان افغان‌های بازداشت‌شده در ایران، تعدادی هستند که پیش از برگزاری زمان دادگاه و تایید جرم‌شان، توسط بازجوها مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند.

در مثالی دیگر می‌توان به حکم اعدام و «ظرفیت‌های قانونی حد فاصل» آن اشاره کرد، به طوری که در این احکام امکان «عفو» وجود دارد؛ اما اسامی زندانیان افغان برای برخورداری از این امکان حتی به کمیسیون عفو نیز پیشنهاد داده نمی‌شود. اولیایی فرد در این باره می‌گوید: «من ندیدم که اسامی آن‌ها برای عفو پیشنهاد شود. یا ندیدم که رای باز شامل حال‌شان شود. رای باز به این معنی‌ست که محکوم صبح‌ها تا بعدازظهر را در زندان می‌گذرانند و سپس به خانه و زندگیشان باز می‌گردد و صبح دوباره به زندان می‌رود. اما افغان‌ها مشمول رای باز نمی‌شوند؛ چراکه این مساله نیاز به پیگیری و نامه‌نگاری دارد. بنابراین از روز اولی که افغان‌ها دستگیر شده و بازجویی می‌شوند تا اعدام‌شان از کلیه حقوق و ظرفیت‌ها محروم هستند». اسفند ماه سال گذشته (۹۱) صدها تن از مردم هرات - افغانستان - در اعتراض به افزایش اعدام شهروندان افغان در ایران و خودداری جمهوری اسلامی از سپردن اجساد آنها به خانواده‌هایشان اقدام به تظاهرات کردند. معترضان در حالی که علیه جمهوری اسلامی شعار می‌دادند برای ساعت‌هایی، مرز هرات را به سوی ایران مسدود کردند. پیش از این تظاهرات، جمهوری اسلامی اجساد چندین افغان را همزمان به این کشور فرستاده بود. در آن سال، رسانه‌های افغانستان اعلام کرده بودند که پنج هزار و ۸۰۰ متهم افغان در زندان‌های ایران نگهداری می‌شوند که ۱۲۰۰ تن از آن‌ها به اعدام محکوم شده‌اند. اولیایی فرد معتقد است که در مساله زندانیان افغان و اعدام آن‌ها، تنها نمی‌توان یک عامل را به عنوان مقصر معرفی کرد: «این‌جا مجموعه‌ای

از اشتباهات وجود دارد. نمی‌توانیم تنها دادگاه‌ها را مقصر بدانیم. تقصیر کار می‌تواند سیستم قضای ایران، خود مهاجر افغان، خانواده و حتی دولت افغانستان باشد». از آنجایی که حتی حکومت افغانستان هم آمار مشخصی از اتباع گرفتار به حبس و اعدام در اختیار ندارد، بارها از سوی مردم افغانستان مورد انتقاد قرار گرفته و به گفته‌ی اولیایی فرد نیز «این دولت اتباع خود را در ایران رها کرده و نماینده‌ای برای پیگیری ندارد. در حالی که باید نماینده‌ای داشته باشد که به دادگاه‌ها سر بزند و با دولت جمهوری اسلامی ارتباط بگیرد تا بداند که چه تعداد افغان در

زندان‌های ایران هستند و جرایم آن‌ها چیست. چند نفر از آن‌ها به اعدام محکوم شده‌اند. این نماینده وظیفه دارد که با خانواده‌های این زندانیان صحبت کند و شرایط ملاقات آن‌ها را با متهمان فراهم کند. او موظف است که هزینه‌های این زندانیان را در زندان تقبل کند. نمی‌توان یک شهروند را در یک کشور دیگر رها کرد تا هر بلایی سرش خواستند بیاورند. اما مجموعه‌ی این تقصیرها باعث می‌شود که در نهایت حقوق یک نفر ضایع شود». اولیایی فرد وظیفه‌ی دولت ایران را ابتدا در رسیدگی به وضعیت اقامت افغان‌ها می‌داند: «دولت ایران

باید تکلیف خود را روشن کند که آیا فلان مهاجر، پناهنده محسوب می‌شود یا خیر. اگر به شکل قاچاقی به ایران آمده، بطور می‌توان او را به کشور خود بازگرداند. اگر هم می‌خواهد که این افراد را دستگیر کرده و حکمی برایشان صادر کند، باید امکانات قضایی در اختیار آن‌ها قرار دهد. مشاوره‌ی وکیل به آن‌ها بدهد. به دلیل هزینه‌های سنگین زندان، آن‌هایی را که قابل عفو هستند، عفو کند. نمی‌شود که فردی را دستگیر کنی، بدون هیچ حمایتی سال‌ها او را به زندان بیندازی، اعدام کنی و جنازه‌اش را به خانواده‌اش تحویل دهی. اقدامات جمهوری اسلامی جز یک دشمن‌تراشی مزمن در مرزهای ایران نیست».

این وکیل دادگستری بر این باور است که نمایندگان دو کشور همسایه برای رسیدن به راه‌حل موظف به گفت‌وگو با یکدیگر هستند؛ چراکه تجارت یکی از این دو کشور مواد مخدر است و اصل دیگری، اعدام قاچاقچی مواد مخدر. اگرچه تکیه‌ی اقتصاد افغانستان به مواد مخدر در فرهنگ این کشور نیز رخنه کرده اما از نظر قانونی هیچ قاضی نمی‌تواند به دلیل «تفاوت فرهنگی» مجازات خود را تغییر دهد و با متهمان به این بهانه، رفتار دیگری داشته باشد، اما «می‌توان چنین نگرینست که قاضی می‌تواند این موضوع را در نظر بگیرد که اگر فلان متهم افغان به زندان برود، کسی را به عنوان حامی ندارد یا مثلاً در مرحله‌ی بازجویی می‌توانسته دفاعی از خود انجام دهد که محکوم به این میزان حبس نشود. قاضی می‌تواند یک‌سری مسایل را به عنوان «تخفیف»، «تعلیق» یا «ارفاق» در نظر بگیرد. یا می‌تواند اگر جرم یک افغان بین یک تا پنج سال حبس دارد، کم‌ترین مجازات را در نظر بگیرد یا احکامی صادر کند که زندانی به کشور خود بازگشته یا محکومیت‌اش تبدیل به جزای نقدی شود. اما زندانیان افغان در زندان فراموش می‌شوند». با وجود افزایش آمار اعدام‌های مربوط به قاچاق مواد مخدر در ایران، همچنان این کشور از حمایت سازمان ملل و نهادهای مبارزه با مواد مخدر قرار دارد. آیا این حمایت به افزایش اعدام به این جرم در ایران کمک می‌کند؟ وظیفه‌ی سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری در برخورد با این مساله چیست؟ اولیایی فرد در پاسخ به این سوال توضیح می‌دهد: «من هم معتقد به این مساله هستم. اما موضوع این است که وقتی برای مبارزه بودجه‌ای داده می‌شود،

به این معنا نیست که در نوع مبارزه، همه کار می‌توان انجام داد. این کافی نیست که سازمان ملل، جمهوری اسلامی را در مبارزه با مواد مخدر تشویق کرده و بودجه‌ای در اختیار او قرار می‌دهد؛ بلکه چه این سازمان و چه نهادهای دیگر باید بر نوع مبارزه نیز نظارت کنند. شیوه‌ی مبارزه‌ی ایران، شیوه‌ی غلطی‌ست و این جرم نیز کاهشی نداشته است». چندی پیش، محمدجواد لاریجانی، رییس ستاد حقوق بشر ایران عنوان کرد که برای لغو مجازات اعدام در ایران باید تلاش کرد. البته این موضوع با واکنش منفی رییس ستاد مبارزه با مواد مخدر جمهوری اسلامی

مواجه شد. یکی از اعضای کمیسیون حقوقی مجلس نیز تاکید کرد که هنوز جامعه‌ی ایران آمادگی پذیرش لغو اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر را ندارد. اولیایی فرد با اشاره به اظهارنظرهای مقامات ایرانی در خصوص لغو اعدام در جمهوری اسلامی، تصریح می‌کند که باید از لایحه‌ی قوه‌ی قضاییه بدین منظور استقبال کرد: «مجامع حقوق بشری به درستی ایران را به خاطر اعدام‌های فراوان محکوم می‌کنند. حجم اعدام در ایران بسیار بالاست و حالا هم که مسوولان در حال تهیه لایحه‌ای برای لغو این حکم هستند، سنگ‌اندازی می‌شود. اما در نهایت باید از این لایحه پشتیبانی کرد تا سریع‌تر به مجلس ارسال شده و اعدام به جرم قاچاق مواد مخدر برچیده شود». تاکنون مجمع عمومی سازمان ملل قطع‌نامه‌های بسیاری در محکومیت ایران به نقض حقوق بشر صادر کرده که ضمن آن به شمار بالای اعدام در ایران نیز اشاره شده است. اگرچه صدور این قطع‌نامه‌ها همچنان ادامه دارد؛ اما اعدام نیز در زندان‌های ایران به شکل آشکار و مخفیانه دنبال می‌شود. به طوری که نه تنها آمار دقیقی از شمار قربانیان در اختیار نیست؛ بلکه هویت آن‌ها نیز در بیشتر موارد مخفی نگاه داشته می‌شود به خصوص اگر از اتباع دیگر کشورها باشند.



محمد اولیایی فرد:

معمولا وکالت افغان‌ها پذیرفته نمی‌شود. نمی‌گویم که این مساله مطلق است اما من تا به حال در دادگاه انقلاب و کیلی را ندیدم که بگوید موکل من فلان قاچاقچی افغان است. البته ممکن است که خودشان هم برای تقاضای وکالت مراجعه نکنند. درست است که در پرونده قاچاق مواد مخدر الزامی به وجود وکیل نیست اما بهتر است که زندانیان وکیل داشته باشند. اما شاید خود افغان‌ها هم فرهنگ مراجعه به وکیل را نداشته باشند. یعنی حتی اگر حامی و پول کافی در اختیار داشته باشند، شاید فرهنگ آن را نداشته باشند

نگاهی به شیوه مبارزه با مواد مخدر



• نعمت احمدی / حقوق دان

مبارزه با موادمخدر، تاریخی طولانی دارد. از نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب مبارزه با موادمخدر یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در سطح ملی بود. دوره فعالیت آیت‌الله خلخالی یکی از بحث‌برانگیزترین دوره‌ها در این حوزه است؛ دوره‌ای که ادعا می‌شد، می‌توان ظرف سه‌ماه ریشه موادمخدر و معتاد را خشکاند. با وجود سختگیری‌هایی که صورت گرفت نه‌تنها موادمخدر ریشه‌کن نشد بلکه متأسفانه آمار اعتیاد بالاتر رفت. از طرفی، قوانین مربوط به موادمخدر هم توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید که جز با تصویب مجمع، تغییر قوانین مربوط به قاچاق امکان‌پذیر نیست. برابر ماده‌یک اصلحیه سال ۷۶، اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود:

- ۱- کشت خشکاش و کوکا مطلق و کشت شاهدانه به منظور تولید موادمخدر
- ۲- واردکردن، ارسال، صادرکردن تولید و ساخت انواع موادمخدر
- ۳- نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفا و ساخت انواع موادمخدر
- ۴- دایرکردن یا اداره مکان برای استعمال موادمخدر
- ۵- استعمال موادمخدر به هر شکل و طریق، مگر در مواردی که قانون مستثنی کرده باشد.
- ۶- تولید، ساخت، خرید، فروش، نگهداری آلات و ادوات و ابزار مربوط به ساخت و استعمال موادمخدر
- ۷- فراری‌دادن و پناه‌دادن متهمین و محکومین موادمخدر که تحت تعقیب‌اند یا دستگیر شدند.

برابر ماده ۲ همین قانون هرکس برای بار چهارم مبادرت به کشت خشکاش یا کوکا کند به مجازات اعدام محکوم خواهد شد.

مجازات‌های ماده ۴ هم مهم است
واردکردن، صادرکردن یا تولید، ساخت یا توزیع یا فروش، بنگ و چرس، شیر، سوخته و یا تفاله تریاک مجازاتی به شرح زیر دارد.

- ۱- تا ۵۰ گرم تا چهارمیلیون جریمه و تا ۵۰ ضربه شلاق
 - ۲- بیش از ۵۰ گرم تا ۵۰۰ گرم از چهارمیلیون تا ۵۰۰میلیون ریال جریمه نقدی و ۷۴ ضربه شلاق و در صورتی که دادگاه لازم بداند تا سه‌سال حبس
 - ۳- بیش از ۵۰۰ گرم تا پنج‌کیلو از ۵۰۰میلیون ریال تا ۵۰۰میلیون ریال جریمه نقدی و ۷۴ ضربه شلاق و سه تا ۱۵ سال حبس
 - ۴- بیش از پنج‌کیلو، اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تامین زندگی متعارف خانواده.
- مجازات هرویین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین به شرح زیر است:

- ۱- تا پنج‌سانتی‌گرم از ۵۰۰ تا یک‌میلیون ریال جزای نقدی و ۲۰ تا ۵۰ ضربه شلاق
 - ۲- بیش از پنج‌سانتی‌گرم تا یک گرم از دومیلیون تا شش‌میلیون ریال جریمه نقدی و ۳۰ تا ۷۰ ضربه شلاق
 - ۳- بیش از یک‌گرم تا چهارگرم از هشت‌میلیون تا ۲۰میلیون ریال جزای نقدی و دو تا پنج‌سال حبس و ۳۰ تا ۷۰ ضربه شلاق
 - ۴- بیش از چهارگرم تا ۱۵ گرم از ۲۰میلیون تا ۴۰میلیون ریال جریمه نقدی و پنج تا هشت‌سال حبس و ۳۰ تا ۷۴ ضربه شلاق
 - ۵- بیش از ۱۵ گرم تا ۳۰ گرم از ۴۰میلیون تا ۶۰میلیون ریال جریمه نقدی و ۱۰ تا ۱۵ سال حبس و ۳۰ تا ۷۴ ضربه شلاق
 - ۶- بیش از ۳۰ گرم، اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه زندگی محکوم.
- البته سخت‌گیری‌های دیگری هم در قانون فوق آمده که از آن می‌گذرم. هدف از طرح موضوع، این است که اخیراً مساله حذف اعدام از مبحث قاچاق موادمخدر مطرح و ناکارآمدی این شیوه مبارزه برای مسوولان هم روشن شده است. قانون موادمخدر که بخشی از آن را شرح دادم باعث شد زندانی ایران از سرانه جهانی جمعیت بالاتر باشد. امروز از جمعیت ۲۷۰ هزارنفری زندانیان یاد می‌شود که سه‌چهارم این جمعیت مربوط به موادمخدر است؛ مبارزه‌ای که توانسته تسلط کاملی بر موادمخدر در ایران داشته باشد. سخت‌گیری‌های قانونی نه‌تنها مانع از گسترش موادمخدر در همه زمینه‌ها - از خریدوفروش گرفته تا مصرف - نشده، بلکه با آمارهای بعضاً هشداردهنده‌ای از نظر تعداد ابتلا به موادمخدر روبه‌رو هستیم. در راه مبارزه با موادمخدر نزدیک به چهارهزارنفر شهید و بیش از ۱۲ هزارنفر مجروح و ازکارافتاده در نیروی انتظامی داریم. می‌دانیم هزینه مبارزه با موادمخدر به‌شدت بالاست و از طرفی جمعیت معتاد کشور هم رو به افزایش است و موضوع اعدام و تعداد افرادی که اعدام می‌شوند به چالش بین ایران و سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده است. اگر نیم‌نگاهی به اظهارنظر مسوولان ستاد مبارزه با موادمخدر داشته باشیم جملگی از ناکامی طرح مبارزه با موادمخدر و قاچاق ظرف سال‌های گذشته صحبت می‌کنند. قوانین و راهکارهای فعلی مبارزه با موادمخدر حتماً نیازمند بازنگری است. نگارنده بر این باور است حال که عده‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که مجازات اعدام نتیجه‌بخش نیست فرصت برای بازنگری در روش‌ها و نگاه به این معضل، فراهم است. امروز مسوولان نیز می‌گویند خانواده اعدام‌شدگان موادمخدر ممکن است در معرض آسیب جدید اجتماعی قرار گیرند، احیاناً به متهم یا محکوم بعدی تبدیل شوند و جامعه‌ای آسیب‌پذیر از نحوه غلط مبارزه با موضوعی اجتماعی که تبعات آن دامن همه اجتماع را گرفته است بازهم در همان مسیر هدایت شوند. قانون مبارزه با موادمخدر و نگاهی مجرمانه به معتاد و نیز نوع مجازات و شدت آن، راهکار برخورد با موادمخدر نیست. حال باید با تکیه بر شیوه مبارزه دیگر کشورها و نتایجی که از این راه کسب کرده‌اند به موادمخدر و معتاد نگاه کنیم و با حذف مجازات اعدام از موادمخدر از آمار اعدام‌شدگان که مورد انتقاد جوامع بین‌المللی است بکاهیم و بهانه به دست مخالفان کشور ندهیم.

اعدام به خاطر جرایم مربوط به مواد مخدر در ایران؛

بررسی وظایف بین‌المللی ایران در زمینه حقوق بشر*

نویسندگان: اوتا هیلنوماز - اسکات شیران - کاترین بویلاک

خلاصه:



مترجم: علی مهتدی

این پژوهش حقوقی قسمتی از مجموعه مطالعاتی در مورد حقوق بشر در ایران است که توسط بخش حقوق بشر ایران تهیه شده است. بخش حقوق بشر ایران در دانشکده حقوق دانشگاه اسکس بر موارد انطباق مسایل حقوق بشر در ایران با قوانین بین‌المللی تمرکز کرده است. هر کدام از پژوهش‌ها به یک موضوع مشخص در راستای موارد تناقض تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه حقوق بشر با قوانین داخلی این کشور پرداخته و موانع و مشکلات اساسی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش حقوق بشر ایران به دنبال ایجاد یک حساب کاربری قابل دسترسی است تا وسعت و پیچیدگی نقض موارد حقوق بشر در ایران از منظر قوانین بین‌المللی را ثبت کند و در این زمینه از کمک پژوهشگران، دانشجویان و هر کسی که ممکن است بتواند کمکی ارایه کند، استفاده می‌کند. در این پژوهش تعهدات جمهوری اسلامی ایران به معاهدات بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر در سایه مجازات اعدام برای جرایم مواد مخدر مورد بررسی قرار گرفته است، معاهداتی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در ماده ششم آن به حق زندگی پرداخته شده و همچنین کنوانسیون حقوق کودک که در ماده ۳۷ از آن بر حق حیات تأکید شده

ایران بیشترین سرانه اعدام را در دنیا دارد و بیشتر اعدام‌شدگان نیز به خاطر جرایم مربوط به مواد مخدر جان خود را از دست داده‌اند. آغاز سال ۲۰۱۴ با افزایش مجازات اعدام در ایران همراه بود، به طوری که مقامات ایرانی ۲۱ مورد اعدام را مورد تأیید قرار دادند. منابع قابل اعتماد همچنین از ۱۹ مورد اعدام دیگر نیز سخن گفته‌اند. اعدام‌های اعلام‌شده در یک هفته از ژانویه سال ۲۰۱۴ از مجموع اعدام‌های صورت گرفته در همین ماه از سال ۲۰۱۳ بیشتر بوده است. مجازات اعدام برای طیف گسترده‌ای از جرایم مربوط به مواد مخدر از جمله در اختیار داشتن مواد یا فروش آن اعمال می‌شود. در عمل، اکثر اعدام‌های صورت گرفته، بدون دادرسی عادلانه و در غیاب هیچ‌گونه فرصت جدی برای درخواست تجدیدنظر یا عفو انجام شده است. از منظر حقوق بشر، جمهوری اسلامی ایران به خاطر استفاده از اعدام برای جرایم مرتبط با مواد مخدر مورد انتقادهای قابل توجهی قرار گرفته است. تا به امروز، سازمان ملل متحد، سازمان‌های غیردولتی و همچنین رسانه‌ها به شکل جدی بر این موضوع تمرکز کرده‌اند که جرایم مرتبط با مواد

مخدر نباید منجر به مجازاتی مثل اعدام شود که ممکن است قوانین بین‌المللی تحت شرایط خاص و جرم و جنایت‌های بزرگ به آن رضایت دهد. پژوهش‌های مفصل حقوقی و مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که دست کم شش بستر حقوقی برای نقض ماده ششم میثاق بین‌المللی حقوق بشر در ایران و اجرای مجازات غیرقابل برگشت اعدام، وجود دارد: ۱- قانونی: اعمال مجازات اعدام در ایران از طریق به دار آویختن در ملاء عام انجام می‌شود که این امر غیر عادلانه بوده و منجر به گسترش خشونت می‌شود. ۲- اعدام اجباری: اجرای مجازات اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر بر خلاف اصول حقوق بشر ناظر بر حق حیات است و این تردید جدی را ایجاد می‌کند که اجرای چنین مجازاتی در تناسب با جرایم صورت گرفته در پرونده‌های مختلف هست. ۳- جنایات جدی: محدوده بسیار وسیعی از احکام اعدام صادر شده به جرایمی ساده نظیر حمل مواد مخدر مربوط می‌شود. این مجازات در قوانین بین‌المللی برای جدی‌ترین جنایات تحت شرایط خاصی صادر می‌شود. ۴- اجرای مجازات: اعدام در ملاء عام که در ایران اعمال می‌شود عملی غیر انسانی و تحقیرآمیز است. این قبیل مجازات‌ها در شرایط بسیار اضطراری اعمال می‌شود که با بند ششم از میثاق جهانی حقوق بشر در تضاد است. ۵- تضمین محاکمه عادلانه: اغلب موارد اعدام به خاطر مواد مخدر شامل نقض گسترده‌ای از حقوق انسانی از جمله حق زندگی، دسترسی به دادگاه، دفاع مناسب قانونی، قوه قضاییه مستقل و حق درخواست تجدیدنظر بوده و در برخی موارد شامل اعترافات اجباری شده است. ۶- حق عفو: در حالی که قوانین ایران، حق درخواست عفو را به رسمیت شناخته است، اما کسانی که به خاطر جرایم مربوط به مواد مخدر اعدام شده‌اند اکثراً در بازه زمانی بسیار کوتاهی بوده که عادلانه بودن درخواست تجدیدنظر در حکم صادره را زیر سوال می‌برد. ۷- عدم عطف به ماسبق: قوانین جدیدی که در رابطه با مجازات‌های مربوط به مواد مخدر در ایران مطرح شده اکثراً شامل عطف به ماسبق نمی‌شوند و این موضوع ناقض اصل حق زندگی است. ۸- استثنا قایل شدن برای افراد زیر ۱۸ سال: کودکانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند ممکن است در ایران به خاطر جرایم مربوط به مواد مخدر یا دیگر جنایت‌ها با حکم اعدام مواجه شوند که این امر در تضاد کامل با تعهدات ایران در نسبت با کنوانسیون جهانی حقوق کودک مصوبه سازمان ملل متحد است. با توجه به موارد نقض حقوق بشر که برشمرده شده، این تجزیه و تحلیل حقوقی به این نتیجه می‌رسد که مجازات اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر در ایران در انطباق با تعهدات این کشور نسبت به معاهدات بین‌المللی و همچنین کنوانسیون حقوق کودک نیست و حل و فصل آن از تعهدات ضروری است.

تاریخ و اسامی تعدادی از اعدام شدگان در دوره ۴ شهريور الی ۲۳ آبان ۱۳۹۳ عبارتند از: ۵ اعدام در ۴ شهريور: حسين شهرياري، عباس پور يزدان پناه، حميد مير، محمد حسيني و يك زنداني ناشناس (گزارش شده توسط هرانا). ۸ اعدام در ۲۷ شهريور: محمد جواد حسن آبادي، جليل شهيكی، محمد افشار، عليرضا نوروز ماهاني، حسن سرحدی، روح الله خالقي، قلی زاده، مهدي زابلی زاده (تصوير بالا)

۶-۸ اعدام در ۱۵ مهر: يکی از زندانيان به نام محمد رضا مظلومي (۲۴ ساله) متهم به قتل، هويت ديگران نا مشخص می باشد. ۲ اعدام در ۱ آبان: هويت هيچ يك از زندانيان مشخص نشده است. (گزارش شده توسط هرانا) ۶-۸ اعدام در ۱۳ آبان: هويت هيچ يك از زندانيان مشخص نشده است. ۶-۸ اعدام در ۲۳ آبان: محمد رضا غلامپور بمی مشخص نشده است. چهار نفر از اين زندانيان ترک ایرانی بودند و چندين روز طول کشيد تا خانواده‌ها موفق به تحويل اجساد زندانيان شدند.

ده‌ها اعدام اعلام نشده به اتهام قاچاق مواد مخدر در کرمان

ده‌ها زندانی در چند ماه گذشته در زندان کرمان اعدام شده‌اند. بسیاری از این زندانیان به اتهامات مربوط به مواد مخدر محکوم به اعدام شده بودند. هیچ‌یک از این اعدام‌ها توسط منابع رسمی اعلام نشده‌اند. سازمان حقوق بشر ایران در حال تحقیق در مورد جزئیات بیشتر در مورد این اعدام‌ها است



جامعه بين المللی می باشد. محمود امیری مقدم، سخنگوی این سازمان گفت: “از آنجایی که اتهامات مربوط به مواد مخدر به عنوان “جدی‌ترین جرائم” در نظر گرفته نمی شود و بسیاری از این زندانیان در معرض محاکمات ناعادلانه، شکنجه و اعترافات اجباری قرار گرفته اند این اعدام‌ها در تناقض با قوانین بين الملل هستند. ما از سازمان ملل متحد خواهان انجام تحقیقات مستقل در مورد این اعدام‌های دسته جمعی مخفیانه در زندانهای ایران هستیم.” تصویر محل خاکسپاری برخی از این زندانیان در قبرستان بم در اینجا مشاهده می‌شود.

سازمان حقوق بشر ایران: به گزارش منابعی که سازمان حقوق بشر ایران با آنها در تماس بوده است از شهريور ماه امسال تا کنون، حداقل ۳۳ زندانی در زندان کرمان اعدام شده اند. به گفته این منابع، این زندانیان اغلب در گروه‌های ۶ الی ۸ نفره در یک زمان اعدام گردیده اند. به جز یک زندانی که به قتل متهم بوده است، تمامی زندانیان دیگر به اتهامات

مربوط به مواد مخدر به اعدام محکوم شده بودند. هیچ اعدامی در این دوره در زندان کرمان توسط منابع رسمی ایران گزارش نشده است. گروه‌های مدافع حقوق بشر در چند ماه گذشته از اعدام‌های دسته جمعی مخفیانه در زندانهای مختلف ایران گزارش داده اند. زندانیانی که به اتهامات مربوط به مواد مخدر محکوم به اعدام شده بودند. این زندانها شامل زندان قزل حصار کرج، زندان بندرعباس، زندان زاهدان، زندان ارومیه و زندان عادل آباد شیرازی شود. سازمان حقوق بشر ایران این اعدام‌ها را به شدت محکوم کرده و خواستار واکنش از سوی

نه به اعدام / طرح از: نوشین ارشادی



ده سال از عمر یک زندانی اهل حق در انتظار اعدام

زندانیان محکوم به اعدام / ۲

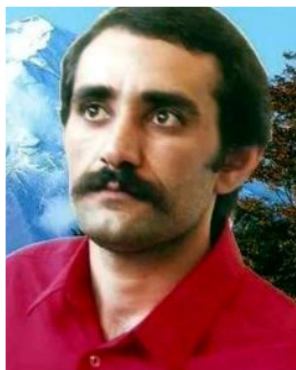
در سال ۱۳۸۳ درگیری‌های مسلحانه‌ای بین نیروی انتظامی و جمعی از پیروان شاخه‌ی «آتش‌یگی» مسلک اهل حق از اهالی روستای اوچ‌تپه میاندوآب رخ داد که در نتیجه‌ی آن جمعی از پیروان این گروه دستگیر و پس از محاکمه به اعدام محکوم شدند. پس از چندی دادگاه تجدید نظر، حکم اعدام سه‌نند علی محمدی و بخشعلی محمدی را به ۱۳ سال حبس و تبعید به زندان یزد کاهش داد، اما حکم اعدام قاسم‌زاده و یونس آقایان در دادگاه تجدید نظر تایید شد. به این ترتیب حکم اعدام عبادالله قاسم‌زاده که دایی همسر یونس آقایان است، در سال ۱۳۸۷ اجرا شد و تنها یونس آقایان از این گروه، همچنان با حکم اعدام روبه‌رو است.

یونس آقایان، از آذری‌های ایران است که در زمان درگیری ۲۱ سال عمر داشت. وی از مهرماه ۸۳ در بازداشت به سر برده و از سوی شعبه‌ی دوم دادگاه انقلاب مهاباد به ۵ سال حبس تعزیری و اعدام محکوم شده است. او یکی از پیروان مسلک اهل حق است. اهل حق یا یارسان نام مسلکی عرفانی است که در سده هفتم هجری بنیان نهاده شده است. پیروان این کیش، آداب و آیین‌های خود را در خفا به جا می‌آورند. آنها در طول تاریخ از فعالیت در امور سیاسی پرهیز کرده‌اند؛ با این حال، طی قرن‌ها شاهد موارد زیادی از فشار و آزار و اذیت بوده‌اند که

اکثراً از جانب مسلمانان و یا حکومت‌ها اعمال شده است. آنها می‌گویند پس از انقلاب اسلامی فشار بر جامعه پیروان مسلک یارسان افزایش یافته و دچار محرومیت‌ها و تبعیض‌های زیاد شده‌اند. اتهام‌هایی که به یونس آقایان وارد شده شامل «انتشار عقاید کفرآمیز، توهین به رهبری، تمرد در مقابل نیروی انتظامی و محاربه از

طریق اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی» است و حکم اعدام این زندانی به همین اتهامات از سوی شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور تایید شده است. یونس آقایان در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ برای اولین بار پس از بازداشت در سال ۱۳۸۳، در اعتراض به توهین‌های عقیدتی و آزار و اذیت مسوولین زندان دست به اعتصاب غذا زد. او یک سال بعد در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۰ به قرنطینه زندان مرکزی ارومیه منتقل شد و خانواده‌ی وی برای مدتی طولانی هیچ خبری از او نداشتند. ابرناز قنبرپور، همسر یونس آقایان در گفت‌وگویی با بی‌بی‌سی فارسی در تاریخ دوم اسفند ماه ۱۳۹۰ با اشاره به اینکه این زندانی هشت سال است که در زندان ارومیه به سر می‌برد، گفت: «او در دادگاه به قتل متهم

شد، در حالی که قتلی انجام نداده است. به او گفتند ضد انقلاب است، در حالی که ما تنها علی‌پرست هستیم و کار خلافی انجام نداده‌ایم.» ۲۰ در روز ۱۵ بهمن ماه سال ۱۳۹۱ قرار بود تا در جلسه‌ای به اتهامات مطرح شده از سوی شکات این چهار زندانی اهل حق در شعبه ۱۰۹ دادگاه عمومی ارومیه رسیدگی شود؛ اما یونس آقایان به جلسه احضار نشد و این جلسه با حضور سه متهم دیگر پرونده برگزار شد. یونس آقایان برای مدت ۲۱ روز از ۸ تا ۲۷ بهمن سال ۱۳۹۱ برای بار دوم به دلیل عدم رسیدگی به خواسته‌هایش در زندان ارومیه در اعتصاب غذا به سر برد و تنها بر اساس قول‌های رییس زندان مبنی بر رسیدگی به خواسته‌هایش، اعتصاب غذایش را شکست؛ اما پس از چند روز، به خواسته‌هایش رسیدگی نشد و مقامات زندان حتی از تحویل گرفتن نامه‌ی تقاضای انتقال او خودداری کردند. آقایان از اول اسفند ماه سال ۱۳۹۱ اعتصاب غذای خود را از سر گرفت؛ اما پس از چندی به خواسته‌هایش رسیدگی شد و او به اعتصابش پایان داد. در حالی که ده سال از بازداشت یونس آقایان می‌گذرد، خبرهای ضد و نقیضی در مورد اعدام او منتشر شده؛ اما پدر این زندانی



«یونس آقایان، از آذری‌های ایران است که در زمان درگیری ۲۱ سال عمر داشت. وی از مهرماه ۸۳ در بازداشت به سر برده و از سوی شعبه‌ی دوم دادگاه انقلاب مهاباد به ۵ سال حبس تعزیری و اعدام محکوم شده است. او یکی از پیروان مسلک اهل حق است.»

خبر اعدام او را تکذیب کرده است. وی در گفت‌وگوهای مختلف با رسانه‌ها ضمن تاکید بر این که فرزندش در طول این سال‌ها از داشتن وکیل محروم بوده، گفته که یک بار برای پیگیری پرونده به تهران رفته است و در آنجا به او گفته‌اند که رای شکسته شده و فرزندش به زودی آزاد می‌شود اما هیچ‌گاه چنین امری رخ نداد و او همچنان در حالی در زندان به سر می‌برد که ممکن است حکم اعدامش هر لحظه اجرا شود. سازمان عفو بین‌الملل در دی ماه سال ۱۳۹۱ با صدور بیانیه‌ای نگرانی خود از خطر اعدام یونس آقایان از پیروان اهل حق آذربایجانی را اعلام کرد. ۳ این سازمان با اعلام نگرانی خود از خطر اعدام یک ترک آذربایجانی اهل حق و دو زندانی دیگر به نام‌های زانبار مرادی و لقمان مرادی، از مقامات ایران خواست تا حکم اعدام این اشخاص را لغو و شرایط برگزاری دادگاه عادلانه بر اساس استانداردهای بین‌المللی را برای آنها فراهم کند.

در بیانیه مزبور آمده است که سازمان عفو بین‌الملل به خاطر اظهارات این افراد در خصوص رفتارهای نامناسب و اعمال شکنجه جهت وادار کردن به اعتراف و همچنین صدور حکم در دادگاه ناعادلانه نگران است. مهدی قاسم‌زاده از دیگر افرادی که در این پرونده متهم شده بود، نهم اسفند ماه ۱۳۸۷ به همراه یونس آقایان به سلول انفرادی زندان منتقل شدند. یک روز بعد از آن، حکم اعدام مهدی قاسم‌زاده به اجرا درآمد و حکم مشابهی که برای یونس آقایان صادر شده بود به دلایل نامشخص در آن روز صورت نگرفت. مهدی قاسم‌زاده در شرایطی اعدام شد که خانواده و وکیل تسخیری او از اجرا شدن حکمش خبر نداشتند و به گفته منابع محلی، جنازه‌ی او نیز هیچ‌گاه به خانواده‌اش تحویل داده نشد.

1-http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%87%D9%84_%D8%AD%D9%82

2-http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/02/120221_i21_aghayan_jail_strike.shtml

3-<http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/003/2013/en/ea9bc64b-818a-42ea-bc70-0c1a28d04650/mde130032013en.html>

شش سازمان حقوق بشری:

سازمان ملل کمک به اعدام‌های مربوط به مواد مخدر در ایران را قطع کند

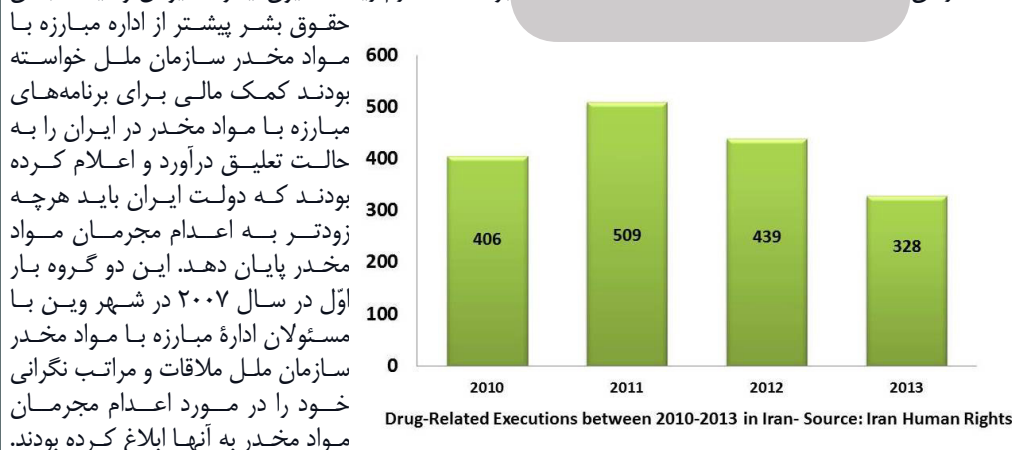
شش سازمان حقوق بشری از جمله «سازمان حقوق بشر ایران» در نامه‌ای به یوری فدوتو مدیر دفتر مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل، خواستار قطع کمک‌های مالی این سازمان به حکومت ایران شدند. این نهاد سازمان ملل سالانه چندین میلیون دلار صرف پروژه‌های مبارزه با مواد مخدر در ایران کرده است. بر اساس گزارشی که سازمان رپریو اخیراً منتشر کرده است ارتباط مستقیمی بین کمک‌های مالی سازمان ملل و تعداد اعدام‌های مربوط به مواد مخدر در ۱۰ سال گذشته در ایران وجود دارد. افزایش اعدام‌های مربوط به مواد مخدر شش گروه حقوق بشری در نامه‌ای که امروز منتشر شد، از «اداره مبارزه با قاچاق مواد مخدر سازمان ملل» خواستند حمایت خود را از عملیات پلیس مبارزه با قاچاق مواد مخدر در ایران، تا زمانی که دولت ایران مجازات اعدام مجرمان مواد مخدر را لغو نکرده، متوقف کند. درخواست این گروه‌ها بعد از آن صورت گرفت که قوه قضائیه ایران روز ۱۲ آذر ۱۸ متهم به قاچاق مواد مخدر را ظرف ۲۴ ساعت به دار آویخت. بدین ترتیب، قربانیان جرایم مواد مخدر در سال ۲۰۱۴ به ۳۱۸ نفر رسید. دیده بان حقوق بشر، رپریو، حقوق بشر ایران، ائتلاف جهانی علیه مجازات اعدام، هارم ریداکشیون اینترناشیونال (سازمان بین‌المللی کاهش آسیب) و بنیاد عبدالرحمن برومند در این نامه می‌گویند در صورتی که، «علیرغم درخواست‌ها برای تضمین و مداخله مقامات عالی‌رتبه، اعدام مجرمان مواد مخدر کماکان ادامه یابد، اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد (UNODC) می‌بایست در پیروی از راهنمای حقوق بشر این سازمان، «حمایت خود را موقتاً تعلیق کند یا دست از این حمایت بردارد.» این شش سازمان به اداره مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل در مورد «گسترش شکاف میان

سخن‌پردازی‌های ایران و واقعیت نظام قضایی آن» هشدار داده اند و حمایت مالی سازمان ملل را از مبارزه با مواد مخدر در این کشور «بی‌تاثیر و حتی با تاثیر معکوس» توصیف می‌کنند. مایا فوا، سرپرست رپریومی‌گوید: «مایه شگفتی است که علیرغم افزایش بی سابقه شمار اعدام متهمان جرایم مواد مخدر در ایران، سازمان ملل همچنان به کمک مالی به عملیات مبارزه با مواد مخدر در ایران ادامه دهد. چند نفر دیگر باید به دار آویخته شوند تا سازمان

ملل چشمانش را بر نتایج مرگبار روش کنونی خود باز کند و حمایت مالی خود را مشروط به توقف اعدام مجرمان مواد مخدر کند؟» به گفته این گروه ها، اسناد سازمان ملل نشان می‌دهد که این سازمان بیش از ۱۵ میلیون دلار به دولت ایران داده است تا پلیس مبارزه با مواد مخدر ایران آن را صرف عملیات «کنترل عرضه»، تامین آموزش متخصص، کسب اطلاعات، کامیون‌ها، اسکنرهای بدن، دوربین‌های مخصوص

دید در شب، سگ‌های تشخیص دهنده مواد مخدر، پاسگاه های مرزی و مرزبانان کند. پروژه‌های اداره مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل در ایران با شاخص‌های اجرایی همراه شده است که شامل «افزایش ضبط مواد مخدر و رشد قابلیت به دام انداختن قاچاقچیان» و «افزایش احکام مربوط به مواد مخدر» می‌شود. تاکنون کشورهای انگلستان، ایرلند و دانمارک حمایت خود را از عملیات مبارزه با مواد مخدر ایران که توسط سازمان ملل اداره می‌شود پس گرفته‌اند. این کشورها نگران آن اند که این کمک ها از جمله برای اعدام متهمان مواد مخدر به کار رود. دانمارک زمانی که تصمیم خود را اعلام کرد، صریحاً اعلام کرد که این کمک‌ها خرج اعدام می‌شود. چند گروه مدافع حقوق بشر قبلاً نیز در ماه می سال جاری نامه ای در رابطه با کمک مالی اداره مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل به ایران و ویتنام خطاب به بانگی مون دبیرکل سازمان ملل نوشته‌اند. این گروه ها از اینکه ادامه این کمک‌ها منجر به «مشروعیت بخشیدن» به اعدام مجرمان مواد مخدر می‌شود، ابراز نگرانی کرده‌اند. یوری فدوتف مدیر اجرایی اداره مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل در پاسخی که در ماه آگوست داد، اعلام کرد که این اداره در جستجوی پیشرفت از طریق «برقراری ارتباط و گفتگو» است و از «تحولات بالقوه مطلوب درباره اعدام مجرمان مواد مخدر در ایران، خوشنود است.» در قوانین ضد مواد مخدر ایران برای تولید، قاچاق، و یا حمل پنج کیلوگرم یا بیشتر تریاک و سایر مواد ذکر شده و ۳۰ گرم یا بیشتر هروئین، مرفین و یا مواد روانگردان ترکیبی معین و غیر طبیی نظیر شیشه، مجازات مرگ مقرر شده است. قوانین بین‌المللی کشورهایی نظیر ایران را ملزم ساخته که از مجازات اعدام تنها برای «جنایات بسیار وخیم» استفاده کنند. امری که شامل جرائم مواد مخدر نمی‌شود. اگرچه بنابر قوانین بین‌المللی، کلیه احکام اعدام می‌بایست مورد تجدید نظر قرار گیرند، اما ایران آشکاراً تجدیدنظر در پرونده‌های مواد مخدر را محدود کرده است. علیرغم وعده محمدجواد لاریجانی رئیس شورای حقوق بشر، در مورد انجام اصلاحات، که خبر از تلاش‌های قانونی می‌دهد تا اعدام مجرمان مواد مخدر خاتمه یابد، ارقام نشانگر آن است که شمار کسانی که در ایران به اتهام ارتکاب جرایم مربوط به مواد مخدر اعدام می‌شوند، رو به افزایش است. گروه های حقوق بشر مذکور از وجود لایحه‌ای، که در انتظار تصویب مجلس است و قرار است به اعدام مجرمان مواد مخدر خاتمه دهد و یا حتی شمار آن را کاهش دهد، اطلاعی ندارند. روز شانزده دسامبر، ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایرانی، گزارش داد که یک مقام عالی‌رتبه ستاد مبارزه با قاچاق مواد مخدر در ایران با لغو مجازات اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر مخالفت کرده است و یادآوری کرده است که هرگونه تغییری در قانون باید به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام برسد. هارم ریداکشیون اینترناشیونال و دیده بان

« به گفته این گروه ها، اسناد سازمان ملل نشان می‌دهد که این سازمان بیش از ۱۵ میلیون دلار به دولت ایران داده است تا پلیس مبارزه با مواد مخدر ایران آن را صرف عملیات «کنترل عرضه»، تامین آموزش متخصص، کسب اطلاعات، کامیون‌ها، اسکنرهای بدن، دوربین‌های مخصوص دید در شب، سگ‌های تشخیص دهنده مواد مخدر، پاسگاه های مرزی و مرزبانان کند.





قرار بازداشت مهدیه گلرو تمدید شد

حقوق ما: قرار بازداشت موقت مهدیه گلرو، فعال اجتماعی و دانشجوی محروم از تحصیل، بعد از ۶۰ روز بازداشت، تمدید شد. گلرو پس از شرکت در تجمعات اعتراضی در تهران علیه اسیدپاشی در تاریخ ۴ آبان ماه دستگیر و به سر می‌برد. وی ۴۵ را در سلول‌های انفرادی به سر برد و اکنون همین بند است. طی به ۷۰۰ فعال سیاسی، نامه‌ای به حسن روحانی، تمامی امکانات قانونی و آزادی مهدیه گلرو استفاده کند. مهدیه گلرو پس از انتخابات ریاست جمهوری مناقشه برانگیز سال ۱۳۸۸ در ایران بازداشت و مدت دو سال و نیم را در زندان اوین به سر برد. وی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ پس از طی دوران محکومیت ۳۰ ماهه از زندان اوین آزاد شده بود.



بازداشت امیر امیرقلی

امیر امیرقلی از فعالین طیف چپ، از تاریخ ۱۰ آذر ماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شده است. به گزارش کمیته گزارش‌گران حقوق بشر، ماموران امنیتی در نیمه شب ۱۰ آذر ماه، با ارائه حکم شعبه ۶ دادسرای شهید مقدس زندان اوین به منزل پدری آقای امیرقلی مراجعه و ضمن تفتیش محل سکونت، او را بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند. وی پیش از همراه نیز در پی در حمایت از مردم پس از گذشت یک آزاد شده بود. امیرقلی ۸۷ نیز در مراسم بازداشت نیروهای با وثیقه صد میلیون در دادگاه بدوی به ۶ محکوم شده بود. چندی بعد این حکم در دادگاه تجدیدنظر به ۵ سال حبس تعلیقی کاهش یافت که مدت این حکم تمام شده است. آقای امیرقلی تا کنون از حق تماس تلفنی و ملاقات حضوری محروم بوده است.



بازداشت یک شهروند بهایی برای اجرای حکم یک سال زندان

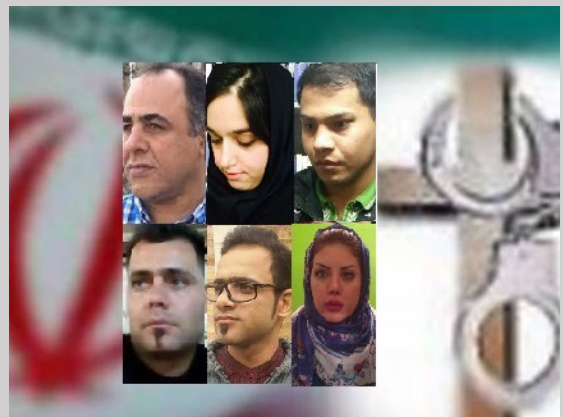
سوسن تیبانیان شهروند بهایی که تاکنون چندین بار سابقه زندان و بازداشت داشته، برای گذراندن محکومیت یک ساله خود به زندان سمنان رفت. این شهروند بهایی روز سوم دی ماه خود را به دادگاه انقلاب معرفی کرده و پس از بازداشت به زندان سمنان منتقل شد. طبق حکم شعبه اول دادگاه انقلاب سمنان به ریاست قاضی امیری، این شهروند بهایی به اتهام تبلیغ علیه نظام و تبلیغ به نفع گروه‌های معاند و مخالف نظام به یک سال حبس تعزیری و ضبط کلیه اموال مربوط به دین بهایی محکوم شده بود. این حکم در دادگاه تجدیدنظر نیز



عینا تایید شد. پیش از اجرای حکم زندان، نسرین ستوده وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر که پیش‌تر با وی همبند بوده است با انتشار عکسی خبر داد که برای دیدن وی و دیگران زندانیان زن بهایی به سمنان سفر کرده تا از آن‌ها اعلام حمایت کند. از سال ۸۴ تاکنون وی چندین بار بازداشت و احضار شده است. وی در سال ۸۹ برای گذراندن حکم، خود را به زندان سمنان معرفی کرده بود؛ اما به علت کمبود جا، به زندان اوین در تهران منتقل شده بود.

حمله به یک کلیسای خانگی و بازداشت تعدادی از نوکیشان مسیحی در تهران

کمیته گزارش‌گران حقوق بشر: ماموران امنیتی با حمله و ورود به یک کلیسای خانگی در شهر رودهن واقع در شرق استان تهران، چند تن از نوکیشان مسیحی به نام‌های مهدی کیان، علی صدرالدین (برادر استفان)، محمد کاظمی، آذین فرودی، محمدحسین مریدیان، مریم نریمانی، علیرضا ناصری، برادر متین و یک تن دیگر با هویت نامعلوم را بازداشت و به محلی غیر مشخص منتقل کرده‌اند. روز پنجشنبه سوم دی ماه گروهی از نوکیشان مسیحی برای دعا و نیایش به مناسبت زادروز عیسی مسیح (کرسمس) گردهم آمده بودند که تعدادی از ماموران لباس شخصی مجهز به سلاح کمری و بی‌سیم،



با برخوردی بسیار غیرمحترمانه وارد محل مذکور شده و ضمن تفتیش محل و ضبط رایانه‌ها، کتب و جزوات، موبایل‌های حاضران و ... اقدام به بازداشت و انتقال این مسیحیان به خودروهای ون نمودند. ماموران امنیتی همچنین برخورد بسیار زشتی با یکی از همسایگان آن منزل که در ارتباط با حادثه از ماموران سوال پرسیده بود، داشته و تلفن همراه و مدرک شناسایی این شهروند را نیز ضبط کردند.

یک دانشجوی ۲۱ ساله به علت فعالیت در فیسبوک به ۲۰ سال زندان محکوم شد

یک منبع آگاه از وضعیت مسعود سیدطالبی، زندانی ۲۱ ساله ای که به دلیل فعالیت در فیسبوک به ۲۰ سال حبس محکوم شده است، به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت: «قاضی مقیسه حکم این جوان را با نقض فاحش قانون صادر کرده است. او در دادگاه روز ۲۹ آذر ماه که برای رفع نقص پرونده تشکیل شده بود اتهام توهین به مقدسات که در حکم وجود ندارد را به اتهامات افزود و به این ترتیب پنج سال دیگر به حکم این جوان اضافه کرد». مسعود سید طالبی، متولد ۱۳۷۲، اهل تهران و دانشجوی رشته مهندسی برق قدرت دانشگاه آزاد تهران است. او روز ۲۱ مهرماه ۱۳۹۲ از سوی ماموران سپاه پاسداران دستگیر شد و یکی از هشت نفر زندانی است که در پرونده موسوم به فعالان فیسبوکی در تیر ماه ۱۳۹۳ مجموعاً به بیش از ۱۲۷ سال زندان محکوم شدند. آقای طالبی از طریق نوشته‌ها و عکس‌های منتشر شده در صفحه فیسبوکش به تبلیغ علیه نظام، توهین به رهبری، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی کشور، توهین به مقامات کشوری، توهین به مقدسات و انتشار تصاویر نامناسب متهم شد. در دادگاه بدوی پس از دفاعیات وکلای پرونده، قاضی مقیسه او را از اتهام توهین به مقدسات تبرئه و برای باقی اتهامات به ۱۵ سال حبس محکوم کرد. در ۵۴ دادگاه تجدید رای، پرونده برای رفع نقص بدوی ارسال کرد. دادگاه روز ۲۹ آذر ماه تشکیل شده بود، امیدوار بودند که او کم‌تر شود؛ اما قاضی مقیسه را از اتهام توهین کرده بود، این حکم اضافه کرد. از نظر قانونی قادر



آذر ماه امسال شعبه نظر با اعلام نقص این هشت زندانی را دوباره به شعبه این منبع آگاه در مورد که برای رفع نقص گفت: «وکلای مسعود در بررسی مجدد حکم همه چیز برعکس که خودش متهم به مقدسات تبرئه اتهام را دوباره به قاضی در این مرحله

نیست اتهامی که در کیفرخواست مطرح شده؛ اما در حکم وجود ندارد را مجدداً به حکم اضافه کند. او فقط باید حکم حاضر را مورد بررسی قرار می‌داد. قاضی مقیسه خارج از چارچوب قانون عمل کرده است. مسعود در حالی که آماده رفتن به دانشگاه بود، در خانه پدریش توسط ماموران وزارت اطلاعات سپاه پاسداران دستگیر شد. ماموران در لحظات بازداشت و تفتیش خانه به همسایه‌ها که جمع شده بودند، می‌گفتند که جرم او کلاهبرداری است». به گفته این منبع، خانواده این زندانی تا مدت‌ها از علت و محل بازداشت او بی‌خبر بودند. او یک ماه اول بازداشت برای بازجویی در بند دو - الف زندان اوین وابسته به سپاه پاسداران بوده و بعدتر به بند ۳۵۰ این زندان منتقل شد. او تاکنون بیش از ۱۵ ماه است که در اوین به سر می‌برد و مسوولان با آزادی او با قرار وثیقه مخالفت کرده‌اند.

نامه شانزده زندانی سیاسی بند زنان اوین تبعید حکیمه شکری به زندان قرچک غیرقانونی است

ملی مذهبی: شانزده زندانی سیاسی بند زنان اوین با نوشتن نامه‌ای نسبت به تبعید حکیمه شکری از اعضای گروه مادران عزادار به زندان قرچک ورامین اعتراض کردند. متن این نامه به شرح زیر است: «حکیمه شکری، از زندانیان جنبش مردمی سبز در زندان اوین و عضو گروه مادران



عزادار، روز ۲۴ آذرماه به شکلی غیر منتظره به زندان قرچک ورامین منتقل شد. در حالی که حدود ۷ ماه از حکم ۳ ساله او باقی مانده بود و در انتظار آزادی مشروط به سر می‌برد، او را به بهانه‌ای احضار به دادرسی اوین از بند خارج کرده و حتی فرصت جمع‌آوری اندک وسایل شخصی‌اش را به او ندادند. شرایط زندان قرچک ورامین بر همگان روشن است و حتی نگهداری متهمین یا مجرمین جرایم عمومی نیز در آنجا خالی از اشکال نیست. وضعیت غیر انسانی زنان زندانی قرچک بارها به انحای مختلف به مرتبیین و مسوولین امر منعکس شده و چندان ترتیب اثری داده نشده است. در حال حاضر نیز حکیمه شکری از زندانیان سبز به شکلی غیر مترقبه به قرچک ورامین منتقل شده است؛ انتقالی که به ظن ما «تبعید» محسوب می‌شود و او مجبور است باقی‌مانده‌ی حبس خود را در آن شرایط هولناک سپری کند. مسوولین زندان از پاسخ به چرایی اعمال این تبعید سرباز می‌زنند و نهایتاً - مطابق معمول - بهانه‌های مرسوم را که طی این ۵ سال در مورد تبعید ده‌ها نفر از دوستانمان در بند ۳۵۰ اوین مطرح کرده بودند، ارائه می‌کنند. نگهداری زندانیان سیاسی در شرایطی که به زندانیان عادی نیز روا نیست، غیرقابل چشم‌پوشی و سکوت است و از زاویه‌ای دیگر این تبعید، نقض حقوق حکیمه شکری محسوب شده و اجحاف مضاعفی است در قبال کسی که اساساً در زندان بودنش به جرم حمایت از جنبش سبز، ناحق و ناعادلانه بوده است. ما نسبت به این انتقال ناگهانی، بی‌دلیل و غیرمنصفانه معترضیم و خواهان پاسخ‌گویی مراجع ذیصلاح قضایی و آزادی یا عودت این زندانی سیاسی هستیم.

بهاره هدایت، ساجده عرب‌سرخی، مریم شفیعی‌پور، فریده شاهگلی، فریبا کمال‌آبادی، فاران حسامی، نسیم باقری، نوشین خادم، شمیس مهاجر، مریم نقاش زرگران، الهه برمکی، صدیقه مرادی، مریم اکبری‌منفرد، مهوش شهریاری، نسیم اشرفی، الهام فراهانی

احمد شهید:

وضعیت حقوق بشر در دوران حسن روحانی بدتر شده است

احمد شهید گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در میانه ماه دسامبر ۲۰۱۴ سفری به نروژ و شهر اسلو داشت. وی در جریان برنامه‌های خود روز ۱۷ دسامبر با نزدیک به هفتاد نفر از ایرانیان ساکن نروژ در دانشگاه اسلو جلسه‌ای یک ساعته داشته و ضمن شنیدن سوال‌ها و نظرات آنها، مطالبی را در پاسخ به موضوعات طرح شده بیان کرد.



احمد شهید گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در میانه ماه دسامبر ۲۰۱۴ سفری به نروژ و شهر اسلو داشت. وی در جریان برنامه‌های خود روز ۱۷ دسامبر با نزدیک به هفتاد نفر از ایرانیان ساکن نروژ در دانشگاه اسلو جلسه‌ای یک ساعته داشته و ضمن شنیدن سوال‌ها و نظرات آنها، مطالبی را در پاسخ به موضوعات طرح شده بیان کرد. از نکات جالب توجه در جلسه، حضور افراد از گروه‌های مختلف بود که بیش‌تر نیز به مسایل خود می‌پرداختند. با وجودی که احمد شهید در صحبت‌های خود نیز اشاره کرد که گزارش‌های او کلی است و حقوق همه‌ی ایرانیان را مدنظر قرار می‌دهد، سوالاتی خاص در مورد اقلیتی خاص یا گروه‌های خاص که قربانی نقض حقوق بشر در ایران هستند، مطرح شد. در واقع آن چه که در این جلسه به چشم آمد، نگاه کلی‌نگر گزارش‌گر ویژه به حقوق بشر به خاطر ماموریتش برای همه‌ی ایرانیان و نگاه جزئی‌نگر ایرانیان به خاطر خاستگاه اجتماعی یا فرهنگی یا آنتیکی بود که بدان تعلق داشتند. احمد شهید در ابتدای جلسه در سخنانی کوتاه گفت که دوست ندارد امروز در مورد تمامی موارد نقض

حقوق بشر صحبت کند و بیشتر تمایل دارد تا در مورد شیوه‌های گزارش خود صحبت کوتاهی داشته باشد و بعد از آن به حرف‌های حاضرین در جلسه گوش بدهد. وی به تاثیر گزارش‌هایی که ارایه داده اشاره کرد و این که این گزارش‌ها باعث بعضی از تغییرات شده‌اند: «برخی مواقع ما از افرادی در داخل ایران شنیدیم هنگامی که اسم‌شان در این گزارش‌ها آمده وضعیت‌شان تغییر کرده است و در واقع به نوعی احساس امنیت بیش‌تری می‌کنند». گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در بخشی از صحبت‌هایش به شیوه‌های گزارش‌گری خود پرداخته و به انتقادات حکومت ایران اشاره کرد که گزارش‌هایش را یک جانبه می‌داند. وی با رد این این موضع گفت: «با وجود این که اجازه ورود به ایران را نداشتیم، خیلی از گزارش‌هایی که می‌نویسم در واقع مواردی هست که در مطبوعات رسمی ایران آمده است. من و تیمم هم مطبوعات ایران را و هم سایت‌های پارلمان را به دقت دنبال می‌کنیم. لایحه‌هایی که در مجلس وجود دارد و یا حرف‌هایی که مقامات رسمی بیان می‌کنند را مورد توجه قرار می‌دهیم و در عین حال با سازمان‌های حقوق بشری که مستندسازی می‌کنند نیز به شکل مداوم در تماس هستیم. همچنین با کسانی که مدعی هستند حقوق‌شان نقض شده هم صحبت می‌کنیم، اما این بدان معنی نیست که هر حرفی که به من زده می‌شود را قبول کنم. خود من هم در این زمینه کار تحقیقی می‌کنم. به همین دلایل ما شکی در گزارش‌هایی که می‌نویسیم،

نداریم. به علاوه من به مقامات ایران نامه می‌نویسم. نامه‌هایی که منتشر نمی‌شود. وقتی که موارد خاصی مثل قریب‌الوقوع بودن اعدام یک نفر وجود دارد، گاهی این نامه‌ها توسط گزارش‌گران دیگر هم امضا می‌شود یا از طرف آنها ارسال می‌شود که تاثیر خاص خود را دارد». احمد شهید در ادامه به فعالیت مطبوعاتی بالای خود اشاره کرده و گفت که یکی از فعال‌ترین افراد در سیستم سازمان ملل برای مصاحبه و ارتباط با مطبوعات است؛ اما با این وجود گفت که این چیزی نیست که از آن راضی باشد، چرا که از مطبوعات به عنوان آخرین امکان استفاده می‌کند. وی در پایان صحبت‌های کوتاه خود گفت چیزی که بیش‌تر از همه او را نگران کرده، وضعیت حقوق بشر در دوران آقای روحانی است که بهتر نشده و در برخی موارد مثل اعدام و حقوق زنان، بدتر هم شده است. در ادامه جلسه حاضران به طرح سوال‌ها و نظرات خود پرداختند. در اولین سوال محمد حسین توتونچیان که خود را یکی از مسوولین نهاد اتحاد زندانیان معرفی کرد، به وضعیت پناهندگان ایرانی در کشورهای دیگر به ویژه ترکیه اشاره کرد. وی از خانواده‌های ایرانی صحبت کرد که سال‌هاست در ترکیه حضور داشته و وضعیت بلاتکلیفی دارند و از گزارش‌گر ویژه خواست به وضعیت آن‌ها رسیدگی کند. احمد شهید در این خصوص گفت: «در مورد پناهنده‌ها متوجه هستم که بسیاری از ایرانی‌ها در خارج از کشور گیر کرده‌اند و سرنوشتشان معلوم نیست. این موضوع نه تنها برای ایرانی‌ها، بلکه برای اتباع دیگر کشورها نیز جای نگرانی دارد. من در این زمینه اقدام خواهم کرد و با کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و مقامات بالاتر در مورد سرنوشت ایرانی‌هایی که در این وضعیت قرار گرفته‌اند، صحبت خواهم کرد. متأسفانه راه حل آسانی برای این مساله وجود ندارد. کاری که باید انجام داد، این است که به ایرانیانی که می‌خواهند از ایران خارج شوند این حقیقت گفته شود که وقتی که از ایران می‌روند ممکن است دچار مشکلات زیادی در کشورهای خارجی بشوند. شما همه به هر حال به طریقی کشورتان را ترک کردید و با این مسایل آشنا هستید. می‌دانید که چه مشکلاتی وجود دارد. من همه تلاش‌م را خواهم کرد که توجه جهان‌بان را به این مساله جلب کنم». کریم الله‌ویسی از حامیان زندانیان کرد در ایران، توجه گزارش‌گر ویژه را به ۱۲ میلیون کرد ایرانی و نقض حقوق بشر در کردستان جلب کرده و گفت که اگر ایران به یک زندان برای مردمش تبدیل شده، کردستان یکی از خطرناک‌ترین این زندان‌ها است. وی خواستار توجه بیش‌تر به نقض حقوق کردها شد و به وضعیت کول‌برها در کردستان اشاره کرد. احمد شهید در پاسخ گفت: «تاکنون چندین بار مسایل کول‌برها و

کردها را در گزارش‌های خود منعکس کردم. من متوجه هستم که برخی گروه‌های اقلیتی در ایران وجود دارند و به نظر می‌آید که بیشتر خشونت‌ها علیه آن‌ها اعمال می‌شود. این طور بگویم که این موضوع را در نظر داشته و در گزارش‌هایم در موردش صحبت خواهم کرد. هادی زمانیان از حامیان محمد علی طاهری زندانی عقیدتی بود که در مورد وضعیت او صحبت کرد. احمد شهید در خصوص محمدعلی طاهری و کمک به او گفت: «من چندین بار به دولت ایران نامه نوشته و در مورد وضعیت آقای طاهری ابراز نگرانی کردم. همچنین با چند نفر در این مسافرت ملاقات کردم که در مورد آقای طاهری صحبت کردند و من پیشنهاداتی برای آن‌ها داشتم. البته برای این که کار بهتر پیش برود باید خانواده‌ی آقای طاهری هم موافقت کنند. آنها ابتدا باید با یک گروه کاری که در سازمان ملل در ارتباط با دستگیری‌های فراقانونی وجود دارد، تماس برقرار کنند و در مورد پرونده آقای طاهری با آن‌ها صحبت کنند. این گروه کاری که معمولاً از پنج نفر تشکیل شده، پرونده را مطالعه کرده و در مورد آن قضاوت می‌کنند و می‌گویند که آیا این شخص به صورت غیر قانونی بازداشت و در زندان نگهداری می‌شود یا خیر. اگر گروه مزبور نتیجه‌گیری کند که این شخص به طور غیرقانونی دستگیر شده است، ابزاری به دست شما می‌دهد که این ابزار را در ارتباط با جامعه جهانی برای کارهای حمایتی می‌توانید، استفاده کنید. خانم دیگری به سخنان احمد شهید در مورد نقض حقوق زنان در ایران اشاره کرد و این که حتی فعالیت فیسوکی برای زنان به صدور ۲۰ سال زندان منجر شده. وی که خود را از فعالین حقوق زنان در کردستان معرفی کرد از احمد شهید پرسید چطور است که دولت نروژ این مسایل را نمی‌پذیرد و به خود او گفته است که اگر به ایران بازگردد هیچ مشکلی برایش پیش نخواهد آمد؟ گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در پاسخ گفت: «نکته شما درباره‌ی حقوق زنان و عدم آگاهی دولت نروژ از حقایق مربوط به زنان در کشوری مثل ایران، درست است. برخی اوقات وزارتخانه‌هایی که با پناهنده‌ها سر و کار دارند، تمام پس زمینه‌ی رابطه با آن کشور را نمی‌دانند. من فکر می‌کنم دلیل این اتفاق‌ها، ناآگاهی آن‌ها است. لازم است که بیشتر با مقامات و کشورها صحبت بشود و آن‌ها را متوجه حقایق بکنیم. بر اساس اتفاقاتی که در داخل ایران می‌افتد، روشن است که اگر کسی در خارج از کشور در مورد مسایل حقوق بشری فعالیت کند، در صورت بازگشت به ایران جان‌ش در خطر خواهد بود. این خوب است که شما یک وکیل خوب داشته باشید و از امکانات تجدید نظر در پرونده خودتان استفاده کنید».

شخص دیگری در جلسه که خود را از مسیحیان معرفی کرد به وضعیت اقلیت‌های مسیحی در ایران و خارج از کشور اشاره کرد و از گزارش‌گر ویژه خواست که به وضعیت همه‌ی اقلیت‌های مذهبی در ایران توجه کند. احمد شهید در پاسخ گفت: «در تمام گزارش‌هایم در مورد مسیحیان و اقلیت‌های مسیحی در ایران نوشته‌ام. علاوه بر گزارش‌ها، در خیلی از کشورها در کنفرانس‌هایی که در مورد اقلیت‌های مذهبی بوده شرکت کرده و در موردشان صحبت کردم. همچنین در ژنو و در شهرهای دیگر با هیات‌های ایرانی ملاقات داشتم و آن‌ها را متوجه وضعیت این اقلیت‌ها کرده‌ام. می‌خواهم به شما این اطمینان را بدهم که آزادی مذهب در گزارش‌های من جایگاه ویژه‌ای دارد که همیشه به آن توجه می‌کنم. در ادامه این جلسه یکی دیگر از حاضر به این که دولت

ایران از حقوق بشر به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده می‌کند، اشاره کرده و گفت که گزارش‌گر ویژه خوش‌بینی خاصی نسبت به گزارش‌هایش و تاثیر آنها دارد. گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در پاسخ گفت: «شما گفتید که من نسبت به اثراتی که گزارش‌های من بر جای می‌گذارد، خوش‌بین هستم. باید بگویم که این طور نیست و من خوش‌بین نیستم. برخی اوقات اتفاقی‌هایی می‌افتد که من می‌توانم آن را به گزارش‌هایم مربوط کنم. برای این که وضعیت بهبود

پیدا کند، لازم است که دولت ایران با من همکاری کند. من کاملاً متوجه هستم که ایران برخی اوقات از مساله حقوق بشر مانند یک ابزار استفاده می‌کند. متوجه هستم که در گزارش‌هایم با مسایل کلی سر و کار دارم تا جزئیات خصوصی اشخاص. تمام گروه‌های اقلیتی که من با آن‌ها ملاقات دارم به من می‌گویند که به اندازه کافی در مورد سرنوشت‌شان در گزارش‌م نمی‌نویسم. جوابم به آن‌ها این است که گزارش من مربوط به همه از جمله اقلیت‌ها است. مثلاً وقتی که در گزارش‌م از حاکمیت قانون می‌نویسم چیزی است که شامل همه می‌شود. اگر حاکمیت قانون وجود داشته باشد این مسایل اسفناکی که درباره‌اش صحبت می‌شود به وجود به نمی‌آید. بنابراین در گزارش‌هایم همیشه مسایل کلی و نه موضوعات خاص را در نظر می‌گیرم. در ادامه یکی از حاضران در جلسه بار دیگر به وضعیت پناهندگان در خارج کشور اشاره کرده و از احمد شهید پرسید که آیا ماموریتش تنها برای ایرانیان داخل کشور است یا شامل ایرانیان خارج از کشور هم می‌شود که احمد شهید گفت: «ماموریت من به طور روشن مربوط به حقوق بشر در ایران است، یعنی نکاتی که می‌توانم در رابطه با آنها دولت را در موقعیت پاسخگویی قرار بدهم. بنابراین ماموریت من مربوط می‌شود به ایران، نه ایرانیان. یعنی چیزی که در ایران اتفاق می‌افتد. مثلاً اگر یک پناهنده افغان در ایران بوده و حقوقش نقض شود، شامل ماموریت من می‌شود. البته می‌دانم که وضعیت ایرانیان در خارج از کشور هم به ایران مربوط می‌شود. متوجهم که اگر وضعیت در ایران عالی بود، شما هم اینجا نبودید. بنابراین با وجود این که نمی‌توانم در گزارش‌م قسمتی در مورد ایرانیان نروژ یا سوئد یا نقاط دیگر داشته باشم، کاملاً می‌دانم که سرنوشت ایرانیان خارج از کشور برای ایران بسیار مهم است. بنابراین من همیشه آماده هستم که صحبت‌های پناهندگان خارج از کشور را گوش بدهم. چون می‌دانم که این مسایل با وضعیت در ایران رابطه دارد، اما در هر حال این کار باید در چارچوب مقررات سازمان ملل انجام گیرد». یکی دیگر از حاضرین در جلسه که خود را خسروی معرفی کرد، گفت که قبل و بعد از انقلاب، زندانی سیاسی بوده است. وی با اشاره به سیستم ایران که باعث به وجود آمدن فساد و فحشا و اعتیاد شده از احمد شهید پرسید که آیا وی به سیستم انتقاد دارد یا خیر؟ گزارش‌گر ویژه در پاسخ گفت: «در مورد سیستم باید بگویم من با سیستم دولت کاملاً آشنایی داشته و قانون اساسی ایران را به شکل کامل مطالعه می‌کنم، ولی انتقاد نمی‌توانم بکنم. کار من انتقاد از سیستم نیست. در مورد انتخابات سال گذشته من گفتم که درست نیست نامزدهای زن کنار گذاشته بشوند. همچنین به آن‌ها گفتم که به نظر من درست نیست که شورای نگهبان بعضی از نامزدها را از فهرست بیرون بگذارد. من نظرات خودم را در این زمینه‌ها می‌گویم، ولی نمی‌توانم در مورد سیستم ایران نتیجه‌گیری بکنم. بارها در مورد شورای نگهبان صحبت کردم و گفتم که درست نیست شورای نگهبان نظریات و تصمیماتش بالاتر از قانون اساسی بوده یا نسبت به آن اولویت داشته باشد». ترانسکسوال‌ها و وضعیت‌شان موضوع دیگری بود که یکی از حاضرین در جلسه مطرح کرد. وی اشاره کرد که حکومت ایران آن‌ها را سانسور کرده و به صورت مهندسی شده از آن‌ها بهره‌برداری می‌کند و وی یکی از قربانیان این مساله است. گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در پاسخ گفت: «در مورد ترانسکسوال‌ها متوجه همه مسایل هستم. می‌دانم

«تاکتون چندین بار مسایل
کول‌برها و کردها را در
گزارش‌های خود منعکس کردم. من
متوجه هستم که برخی گروه‌های اقلیتی
در ایران وجود دارند و به نظر می‌آید
که بیشتر خشونت‌ها علیه آن‌ها اعمال
می‌شود. این طور بگویم که این موضوع
را در نظر داشته و در گزارش‌هایم در
موردش صحبت خواهم کرد».

که دولت وجود آن‌ها را قبول ندارد و می‌دانم که دولت آن‌ها را مجبور به جراحی می‌کند. می‌دانم که خانواده و جامعه هم آن‌ها را قبول ندارند. از آن جایی که معتقد هستم این‌ها افرادی هستند که خیلی در وضعیت ضعیفی قرار داشته و قربانی هستند، در گزارش‌هایم خیلی به مسایل آن‌ها اشاره کرده‌ام. در گزارش آینده‌ام نیز در این رابطه نکات زیادی مطرح خواهد شد».



احمد شهید گزارش گر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران در نروژ



جلسه عمومی با احمد شهید، محمود امیری مقدم، سخنگوی سازمان حقوق بشر ایران

به روایت تصویر؛ جلسه احمد شهید با ایرانیان ساکن نروژ



چگونگی فعالیت مدافعان حقوق بشر در خارج از کشور از جمله مواردی بود که حاضران بدان اشاره داشتند



جلسه عمومی با احمد شهید در اسلو، حاضران در جلسه مطالب خود را بیان می کنند



پیگیری و حمایت از سهیل عربی از دیگر خواسته های حاضرین در جلسه بود



جلسه عمومی با احمد شهید گزارش گر ویژه در اسلو



مسائل مربوط به حقوق زنان از جمله مواردی بود که حاضرین در جلسه به آن اشاره داشتند

وضعیت دشوار محمد علی طاهری در زندان؛

سه سال انفرادی، پرونده مفتوح، اعتصاب غذا



محمدعلی طاهری شخصیت محوری عرفان حلقه و معرف شیوه‌های فرادمانی در ایران است که از چندین سال پیش در شرایطی غیر معمول در زندان به سر می‌برد. وی از اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ تاکنون با وجود داشتن حکم، در سلول‌های انفرادی و تحت شرایط خاص نگهداری می‌شود و طی این مدت فشارهای فزاینده‌ای را تحمل کرده است. وی در ماه‌های گذشته در نامه به احمد شهید گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران نوشت: «این‌جانب محمدعلی طاهری فرزند محمد متولد ۱۳۳۵ بنیان‌گذار عرفان حلقه (کیهانی)، فرادمانی و سایمتولوژی که از طرف سازمان اطلاعات سپاه، سال ۸۹ به اتهام اقدام علیه امنیت

کشور دستگیر شده و پس از ۶۷ روز حبس در سلول انفرادی در اوین، بند ۲ الف (بازداشت‌گاه اختصاصی سازمان اطلاعات سپاه)، مجدداً اوایل سال ۹۰ با پاپوش‌های امنیتی و اتهامات ساختگی ارتداد، محاربه با خدا و رسول خدا، توهین به مقدسات، مفسد فی الارض و سب النبی دستگیر و به سلول انفرادی همان بند منتقل شدم». وی در بخش دیگری از نامه‌ی خود دیگر فشارهای اعمال شده بر خود را این‌گونه توصیف کرده است: «اعمال فشار و شکنجه روانی توسط بازپرس و بازجوها، ارائه پیشنهاد مبنی بر قبول و اعتراف به ارتباط با آمریکا به منظور رهایی از اعدام، تهدید مبنی بر صدمه رسانیدن به همسر و در نتیجه بی‌سرپرست شدن فرزندانم، سو استفاده ابزاری از موقعیت و جایگاه مراجع محترم تقلید در جهت اعمال فشار و شکنجه روانی و پیاده کردن نقشه‌های امنیتی و اعمال فشار روانی از یک طرف و دادن وعده‌های دروغین آزادی به شرط انجام مصاحبه‌های فرمایشی دیکته شده از طرف دیگر». طاهری که مجبور به اعتراف تلویزیونی شد، بر خلاف وعده‌ی بازجویان آزاد نشد و همچنین همسر وی نیز بعد از انتشار نامه بازداشت و سپس با اخذ تعهد، آزاد شد. سازمان عفو بین‌الملل در شهریور ماه سال ۱۳۹۳ با انتشار بیانیه‌ای ضمن اشاره به این که محمدعلی طاهری در حال گذران حبسی پنج‌ساله به اتهام اهانت به مقدسات اسلامی در زندان اوین است، اعلام کرد که وی توسط بازجوهاش به مرگ تهدید شده است. عزت الملوک طاهری مادر محمدعلی طاهری با اعلام اعتصاب غذای مجدد او در صفحه فیسبوک خود نوشت: «به واسطه اعتصاب غذاهای پی در پی وضعیت جسمانی ایشان رو به وخامت نهاده و با مشکلات متعدد داخلی و گوارشی مواجه شده است. با توجه به گذشت نزدیک به چهار سال حبس انفرادی بابت محکومیت، رای قطعی صادره همچنان وضعیت قضایی و کیفری اتهامات وارده ایشان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، لذا استاد محمدعلی طاهری، خانواده ایشان و همراهان در خواست مختوم شدن پرونده و اعلام برائت ایشان از سایر اتهامات را از مقامات و مسؤولین محترم مربوطه دارند». مسعود قدیریان از شاگردان محمدعلی طاهری و در خصوص عرفان حلقه و بنیان‌گذار آن می‌گوید: «صدها سال سابقه درخشان عرفان ایرانی برای خودشناسی و جهان‌شناسی سلسله‌ای از عرفای بزرگی مانند رومی، حافظ و بسیاری بزرگان شناخته و کمتر شناخته شده دیگر را به مردم دنیا عرضه کرده است. در زمان حاضر یکی اثرگذارترین روش‌های عرفانی توسط آقای محمدعلی طاهری ارائه شده است. ایشان بنیان‌گذار طب مکمل ایرانی، فرادمانی و سایمتولوژی و نظریه پیوند شعوری است. نتایج این روش برای ارتقا سطح کیفی سلامت جسم و ذهن و روان بوده و نتایج مثبت و موثر آن در قالب مجلات گزارش پزشکی (هفت شماره ویژه نامه شامل یک مورد تایید بیمارستان مسیح دانشوری در تهران) به ثبت رسیده. علاوه بر این تعداد قابل ملاحظه‌ای گزارش تصویری و کتبی از استفاده‌کنندگان از روش آقای طاهری که در رسانه‌های گروهی و وبسایت‌های مختلف منتشر شده، قابل دسترس است». قدیریان با اشاره به این که محمدعلی طاهری همچنان در سلول‌های انفرادی بند الف اوین است از اعتصاب غذای مجدد او سخن گفت. این چندمین باری است که محمدعلی طاهری در اعتراض به شرایط خود دست به اعتصاب غذا می‌زند. قدیریان دلایل این اعتصاب غذا را بدین شرح ذکر کرد:

● باز نگه داشتن پرونده برای ایجاد فشار بر ایشان

● ادامه شکنجه ایشان و سعی به گرفتن اعتراف و اضافه نمودن موارد خلاف واقع در پرونده و

درست کردن شهود تقلبی

- عدم موافقت مسوولان پرونده برای دیدار ایشان با وکیل
- پایان دادن به شرایط زندان انفرادی و انتقال به بند عمومی
- اعلام حکم قطعی ایشان و اعتراض به عدم امکان دفاع از خود
- پایان شکنجه‌های روحی و آزار و تهدید خانواده به طور معمول در نظام قضایی ایران، زندانیانی که حکم‌شان را دریافت می‌کنند به بندهای عمومی زندان‌ها منتقل می‌شوند، اما محمدعلی طاهری بعد از گذشت سه سال همچنان در سلول انفرادی است. مسعود قدیریان در این زمینه گفت: «ایشان به غیر از دو مقطع خیلی کوتاه که به سلول‌های

سه نفره منتقل شده بودند، در تمام مدت نزدیک به چهار سال بازداشت، در سلول انفرادی در شرایط بازداشتگاه ویژه امنیتی بوده‌اند. وی از تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ تا به امروز تحت بازجویی و اعمال فشارهای جسمی و روانی در زندان انفرادی نگهداری می‌شود و ۱۱ بار ایشان را با حکم جعلی پای چوبه دار برده و برگردانده‌اند». محمدعلی طاهری با وجود چند سالی که در زندان سپری کرده، همچنان پرونده‌ی مفتوحی دارد که به گفته ناظران و مدافعان حقوق بشر به قصد صدور حکم‌های سنگین باز نگاه داشته شده است. وی اخیراً به فساد فی الارض متهم شده که می‌تواند منجر به صدور حکم اعدام برایش شود. مسعود قدیریان در این زمینه می‌گوید: «پرونده ایشان را هنوز در رابطه با اتهاماتی مفتوح نگه داشتند؛ اتهاماتی مانند فساد فی الارض، عضویت در سازمان چریک‌های فدایی و همچنین سعی بر این است که با اعتراف‌گیری تحت شکنجه و درست کردن شاکی خصوصی سفارشی و هدایت شده بتوانند افکار عمومی را منحرف کنند و عملاً با مفتوح نگاه داشتن پرونده بر این تصمیم هستند که بتوانند در هر زمان با وارد کردن اتهامات بدون دلیل و مدرک، حکم جدیدی علیه ایشان بدهند». وی در ادامه گفت: «دلیل دیگر این ترفند جلوگیری از شکایت ایشان از جرایم و تخلفات غیرقانونی است که در حین دادرسی رخ داده و به این ترتیب با ممانعت از افشای ظلم و ستم و بی‌عدالتی که اتفاق افتاده عملاً اگر کسی بخواهد در این مورد اعتراضی کند، بلافاصله یکی از این اتهامات مفتوح را به جریان انداخته و او را دستگیر و حبس کنند. بعد از سه سال و نیم هنوز حکم رسمی و کتبی تسلیم وی یا وکیل ایشان نشده است». محمد علی طاهری تاکنون سه بار دستگیر شده است. بار اول وی در بهمن ماه ۱۳۸۶ به مدت یک روز بازداشت شده بود. بار دیگر توسط سازمان اطلاعات سپاه در سال ۸۹ به اتهام اقدام علیه امنیت کشور دستگیر و به مدت ۶۷ روز در سلول‌های انفرادی بند ۲ الف زندان اوین نگهداری و سپس آزاد شد. طاهری بار سوم نیز در اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ بازداشت شده و از آن زمان تا کنون در زندان به سر می‌برد. مسعود قدیریان در پاسخ به این سوال که به چه دلیل ایشان و هوادارانش در این سال‌ها تحت فشار و پیگرد قرار گرفته‌اند گفت: «از آن‌جا که روش آقای طاهری در روشن کردن ذهن عمومی بسیار موثر بوده و با آرایه راهکارهای عملی و تئوری فرادمانی، این مکتب رشد روزافزونی بین ایرانیان در تمامی سطوح اجتماعی، علمی و اعتقادی داشته، پس از سال ۱۳۸۶ نگرانی از محبوبیت ایشان از سوی برخی از تئوری‌های ایران موجب جلوگیری از فعالیتش شد. آنان که سوار بر چهل عده‌ای به دنبال خواسته‌ها و امیال شخصی خود بودند، پایه‌های قدرت خود را در حال تخریب دیدند و از طرفی آنان از هر فردی که بتواند ذهن عمومی را به سمت خود جلب کند هراس دارند. لذا با ابزار همیشگی دروغ و ریا سعی در بدنام کردن ایشان و خدمات انسان‌دوستانه مکتب فرادمانی کردند؛ به خصوص که آموزه‌های ایشان تأثیر به سزایی در رشد و آگاهی انسان‌ها، ترویج کمک به هم‌نوع، استقلال اندیشه، عدم سو استفاده از دین جهت گمراه کردن جامعه دارد و در نهایت اقدام به تخریب و حمله به آقای طاهری و مجموعه فرادمانی و فرادمان‌گران نمودند و تاکنون با انواع روش‌های ضداخلاقی به کار خود ادامه داده‌اند». کنش‌گران کارزار لغو گام به گام اعدام (لگام) نیز در آذر ماه ۱۳۹۳ با انتشار بیانیه‌ای خواهان «منع صدور حکم اعدام در همه‌ی موارد و برقراری مجازات‌های جایگزین اعدام برای همه اتهامات» برای طاهری و «همه کسانی شدند که همانند دکتر محمدعلی طاهری به‌دلیل اندیشه و اعتقادات خود در زندان هستند»



دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
سازمان حقوق بشر ایران
و
محمود امیری مقدم

سر دبیر
مدیار سمیع نژاد

تحریریه
علی مهتدی، شیدا جهان بین، آیدا قجر

ویراستار
علی مهتدی

طرح جلد
نوشین ارشادی

صفحه بندی
زهرا علی پور

تماس با مجله
journal@iranhr.net